ام المؤمنین

خدیجه سلام الله علیها مادر مؤمنان

بسم الله الرحمن الرحیم

خدیجه سلام الله علیها مادر مؤمنان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خدیجه سلام الله علیها مادر مؤمنان

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۰ عنوان و نام پدیدآور:خدیجه سلام الله علیها مادر مؤمنان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان/سید مجید نبوی، علی غزالی اصفهانی مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب به یادبود مرحومه بتول السادات شعله

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم خدیجه سلام الله علیها مادر مؤمنان تبیین الگوهای رفتاری مناسب برای فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و... اساسی‌ترین نیاز زنان در جامعه‌ی ما به شمار می‌رود، در این میان گروهی راه افراط پیموده، زنان را از هر گونه فعالیتی محروم می‌سازند و عده‌ای دیگر حضور بی‌محابا در اجتماع را تنها نسخه‌ی شفا بخش می‌دانند. مسلماً در اظهار و اعمال نظر پیرامون مسایل مربوط به جامعه‌ی زنان باید خاستگاه اسلامی آن را در نظر گرفت، زیرا سخن راندن بدون شناخت عمیق از سیره‌ی معصومان، جامعه‌ی زنان را از بستر اصلی خارج و در گرداب سطحی‌نگری‌ها گرفتار می‌سازد. نگاه تاریخی و تحلیل واقعیتهای موجود در زندگی شخصیتهای مؤثر و مطرح جامعه‌ی زنان، در طول تاریخ اسلام، می‌تواند ما را به خاستگاه اصلی نظرات دینی پیرامون زنان و تشخیص محدوده و نحوه‌ی فعالیتهای اجتماعی آنان نزدیک سازد. زندگی حضرت خدیجه سلام الله علیها را می‌توان نمونه‌ای کامل از تحول مثبت و سیر به سمت کمال دانست؛ زیرا حضرت خدیجه سلام الله علیها مدت زیادی از عمرش را در دوران جاهلیت سپری کرد، آنگاه با غلبه بر تمام تضادهای موجود اجتماعی دل به اسلام سپرد و به اولین اجتماع کوچک اسلامی گام نهاد. زندگانی او چون پلی است که ابتدای آن در دوران جاهلیت و انتهایش در دوران اسلامی است. از این رو بررسی نقاط حساس زندگانی وی می‌تواند ما را در دست‌یابی به الگوی مثبت یاری دهد و برای همه‌ی گروههای جامعه، به ویژه زنان، که دوران جاهلیتها، تعصبها و هجوم فرهنگ‌های بیگانه را تجربه کرده‌اند سودمند باشد.

نسب حضرت خدیجه سلام الله علیها

خدیجه بنت خُوَیلِد بن اَسَد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر پدر بزرگوارش «خُوَیلِد» قهرمان دلاوری بود که در دفاع از حریم کعبه روز به یاد ماندنی آفرید. هنگامی که «تُبَّع» پادشاه خودکامه یمن تصمیم گرفت حجرالاسود را به یمن منتقل کند و در معبدی که آنجا ساخته بود به کار گذارد، خُوَیلِد شمشیر به دست گرفت و در برابر او مردانه جنگید و دیگر شمشیرزنان قریش به یاری او شتافتند و دشمن را با ذلت از حریم کعبه دور ساختند. پدربزرگش «اسد» از پیشگامان در پیمان جوانمردان می‌باشد. این پیمان به منظور احقاق حقوق و دفاع از مظلوم در خانه «عبدالله بن جدعان» برگزار شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آن پیمان حضور فعال داشت و از آن به نیکی یاد می‌کردند. «اسد» از پیشگامان در این پیمان بود که در تاریخ به عنوان «حلف الفضول» مشهور شده است. (۱) مادرش «فاطمه» بنت زائده بن أصمّ بن رَوَاحَة بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لؤی بن غالب بن فهر بانویی با فضیلت، تابع آئین حنیف بود. حضرت خدیجه سلام الله علیها از تیرة قریش می‌باشد، از سوی پدر در نیای سوم و از سوی مادر در نیای هشتم با نسب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیوند می‌خورد.

تولد حضرت خدیجه سلام الله علیها

حضرت خدیجه سلام الله علیها حدوداً پنجاه و پنج سال پیش از هجرت در مکه چشم به جهان گشود. پدرش خُوَیلِد از فرزندان اَسَد بن عبدالْعُزَّی به شمار می‌آمد و مادرش فاطمه دختر زائدهٔ بن اصم بود. جد هر دو «فهر» نام داشت و از قبیله‌ی قریش بودند. به روایتی پدرش قبل از جنگهای فِجار (۲) کشته شد و خدیجه را در دنیای پر آشوب آن روزگار تنها نهاد. حضرت خدیجه سلام الله علیها در دوران طفولیت تجربیاتی گرانسنگ اندوخته بود، شاید پانزده سال بیشتر از عمرش نمی‌گذشت که شاهد هجوم سپاه ابرهه به خانه‌ی خدا بود. اولین متون تاریخی در مورد او به زمانی اشاره دارند که با ترتیب دادن کاروانهای تجاری به کسب درآمد پرداخت. او با مدیریت و درایتی قوی به دور از رسم تجار زمانه که رباخواری را از اصول اولیه‌ی کسب ثروت قرار داده بودند، به تجارت مضاربه‌ای روی آورد. (۳) گرچه ستیز حضرت خدیجه سلام الله علیها با تجارت رَبَوی، که گاه تا از دست دادن زن و فرزندِ بدهکار می‌کشید، خود مقوله‌ای مهم است اما تابناکترین صفحات زندگی او زمانی شکل می‌گیرد که با وجود زیبایی ظاهر و برخورداری از تمام صفات عالی زنانه، هرگز در جامعه‌ی فاسد آن روزگار خود را نباخت و به چنان درجه‌ای از کمال و پاکی دست یافت که به وی لقب «طاهره» دادند نویسندگان در توصیف او عباراتی چون «تُدْعَی فِی الْجَاهِلِیةِ الطَّاهِرَهْ» در جاهلیت به طاهره نامیده می‌شد، را به کار برده‌اند. او از یاری فقرا روی برنمی گرداند و خانه‌اش پناهگاه نیازمندان بود. «کرم و سخاوت» ، «دور اندیشی و درایت» و «عفت» از وی بانویی پارسا و مورد احترام همگان ساخت. لقب «سیدهٔ نساء قریش» که در آن زمان به وی داده شد، از نفوذ اجتماعی و عمق احساس احترام مردم به وی پرده بر می‌دارد. کمالات روحی و عقلی و حسن ظاهر وی سبب شد تا گروه کثیری از مردان، اندیشه‌ی همسری او را در سر بپرورانند «عُقْبَهٔ بن ابی مُعَیط» ، «صلت بن شهاب» ، «ابوجهل» و «ابوسفیان» از جمله مردان ثروتمند و صاحب نفوذ قریش بودند که دست تمنا به سوی او دراز کردند اما حضرت خدیجه سلام الله علیها در خواست آنها را با ابراز بی‌علاقگی به ازدواج رد کرد. او در بخشی از گفتگوهایش با «وَرَقَهٔ بن نَوْفَل اَسَد بن عبدالعزی» ، پسرعمویش، نیافتن شخص مورد نظر را دلیل عدم تمایل به ازدواج دانسته است. خدیجه که بر آیین حنیف ابراهیم خلیل الله باقی بود، (۴) اوقاتی از روز را با علمای مذهبی می‌گذراند و از سخنان و معارفشان بهره می‌برد. در این نشستها گاه صحبت از ظهور پیامبری از قریش به میان می‌آمد که حضرت خدیجه سلام الله علیها را سخت در تفکر فرو می‌برد. روزی همراه گروهی از زنان با یکی از علمای یهود گفتگو می‌کرد که رهگذری جوان و بلند قامت توجهشان را جلب کرد. عالم یهودی از حضرت خدیجه سلام الله علیها خواست او را به مجلس فرا خواند او رهگذر را به منزل آورد، عالم یهودی از جوان خواست کتف خود را بنمایاند. رهگذر پیراهن خود را کنار زد. او به دقت نگریست، درخشش نور نبوت را که در کتابهایشان بشارت داده شده بود، در کتفش دید و گفت: این مُهر پیامبری است. خدیجه، بعد از سؤال از دلیل عالم یهودی و دریافت جواب گفت: اگر عموهایش اینجا بودند اجازه نمی‌دادند تو چنین کنی، زیرا به شدت از وی مراقبت می‌کنند. عالم یهودی گفت: او با زنی از قریش که بزرگ قبیله‌اش شمرده می‌شود، ازدواج خواهد کرد. علاوه بر این یک بار نیز در خواب دید که خورشید بالای مکه چرخید و در خانه‌اش فرود آمد. او این خواب را با پسر عمویش «وَرَقَه» ، که مسیحی بود و با کتب آسمانی آشنایی داشت، در میان نهاد. وَرَقَه گفت: با مرد بزرگی که شهرت جهانی می‌یابد ازدواج خواهی کرد. مجموعه شواهد فوق حضرت خدیجه سلام الله علیها را وا می‌داشت که از راهی عاقلانه گمشده‌اش را سوی خود بکشاند، پس شخصی را نزد امین قریش فرستاد و پیام داد که با مقداری از اموال او به تجارت بپردازد و چون امین پذیرفت او را با بهترین کالاها و غلامش - مَیسَرَه - راهی شام کرد. گروه کثیری از تاریخ نگاران بر این عقیده‌اند که حضرت ابوطالب علیه السلام از حضرت خدیجه سلام الله علیها خواست تا مالی برای تجارت در اختیار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بگذارد. گروهی دیگر با این نظر به مقابله پرداخته، می‌گویند: عزت و شرف حضرت ابوطالب علیه السلام اجازه نمی‌داد که آنها اجیر شخص دیگر شوند. پس باید گفت که وی به طور مضاربه به تجارت پرداخت و اجیر خدیجه نشد. مَیسَرَه در بازگشت کرامات امین قریش، خصوصا ملاقات راهب با وی، را برای حضرت خدیجه سلام الله علیها بازگو کرد.

ازدواج حضرت خدیجه سلام الله علیها

جوانه‌های مهر اینک در وجود حضرت خدیجه سلام الله علیها به بار نشسته بود، او جوانی پاکدامن و امین پیش روی خود داشت که عرق نجابت از صورتش ریزان و پاکی دلش از صداقت سیمایش آشکار بود. بانوی قریش به طور مستقیم تقاضای ازدواج کرد. او به امین قریش چنین گفت: «یا ابْنَ عَم لقَرَابَتک و شرفک و سِطتک فِی قَوْمِکَ وَ أَمَانَتِک وَ حُسْنِ خُلقِکَ وَ صِدْقِ حَدِیثِک» ... ای پسر عمو، من به خاطر خویشاوندی و شرافتت در میان مردم، امانت داری، خوش خلقی و راستگویی‌ات به شما تمایل پیدا کردم. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد حضرت خدیجه سلام الله علیها را پذیرفت و عمویش حضرت ابوطالب علیه السلام را از آن چه رخ داده بود آگاه ساخت. حضرت ابوطالب علیه السلام همراه جمعی از بنی هاشم به نزد عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها «عَمْرِو بن أَسَد» رفت و تقاضای ازدواج کردند. حضرت ابوطالب علیه السلام هنگام خواندن خطبه‌ی عقد گفت ...: او به خدیجه و خدیجه به وی علاقه دارد اینجا جمع شده‌ایم که با رضایت خودش خطبه بخوانیم.» به این ترتیب خورشید مکه، در حالی که تنها بیست و پنج سال از عمرش را پشت سر می‌گذاشت، بر بام بخت سرور زنان قریش تابیدن گرفت، حضرت خدیجه سلام الله علیها ، همسر آفتاب شد و فصل نوینی در زندگی هر دو پدید آمد. حضرت خدیجه سلام الله علیها با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیوندی ابدی برقرار ساخت؛ همدل، همسر و همراز وی شد.

سن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ازدواج

ام المؤمنین خدیجه سلام الله علیها در چه سنی با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج نمودند و آیا قبلًا با دو کافر ازدواج کرده بودند؟ سن حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۲۵ سال بوده است. و عده ای هم قائل به ۲۸ سالگی هستند. ابن عباس و جمعی از دانشمندان بر آنند که حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ازدواج با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فقط ۲۸ سال داشته است. نسبت چهل ساله بودن ام المؤمنین سلام الله علیها در هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین بیوه بودن ایشان یک تهمت ناروا است که با واقعیت زندگی ام المؤمنین سلام الله علیها فاصله بسیاری دارد. زیرا اولاً این نسبت با عقاید مذهب حقه ناسازگاری و منافات دارد و ثانیاً از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجاهت و اعتبار کافی می‌باشد که در ادامه به تفصیل این دو مورد می- پردازیم: مورد اول: ناسازگاری با مبانی اعتقادی مکتب تشیع یکی از ضروریات اعتقادی مذهب حقه جعفری علیه و علی آبائه السلام عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان، یعنی حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه هدی: می‌باشد. معنای اولیه ای که از این کلمه در ذهن وارد می‌شود، دوری از گناه و اشتباه و فکر آن می‌باشد که اگر چه معنایی درست و مطابق با موازین اعتقادی است، اما در برگیرنده تمام مفهوم آن نمی‌باشد. کاملترین معنای عصمت در قرآن مجید، در آیه تطهیر وارد شده است. خداوند در این آیه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مبرا از هرگونه ناپاکی و پلیدی و دارای مقام تطهیر دائمی معرفی کرده است. عصمت از گناه و فکر گناه و عصمت از اشتباه، در برگیرنده یک قسمت از معنای آیه تطهیر می‌باشد، اما این آیه نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می‌کند که اغلب در بیان معنای عصمت به دست فراموشی سپرده می‌شود که عبارت است از دوری از هرگونه ناپاکی. این ناپاکی دارای مصادیق بسیاری می‌باشد که یکی از آن مصادیق، آلودگی آباء و اجداد معصومین: به انجاس زمان جاهلیت می‌باشد که در این آیه به طور کلی این مساله نفی شده است. مؤید ما در این مدعی عباراتی است که در غالب زیارت نامه‌های وارده از معصومین آمده که فرموده‌اند: «کنت نوراً فی اصلاب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسك الجاهليه بانجاسها ؛ یعنی شما نوری بودید در صلبهای مردان بلند مرتبه و در رحم‌های زنان پاک که جاهلیت، شما را با آلودگی‌های خود نیالود.» حال اگر کسی معتقد

باشد که یکی از اجداد پدری یا مادری این بزرگواران عاری از طهارت و آلوده به انجاس جاهلیت باشد در مسیر انکار این اصل ضروری دین قرار گرفته و از دایره دین خارج می‌شود. با بیان این مقدمه، دیگر وجه ناسازگاری بیوه بودن ام المؤمنین سلام الله علیها واضح و آشکار می‌شود. زیرا بنابر آنچه در تواریخ محرّف در مورد ایشان وارد شده، ام المؤمنین سلام الله علیها قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با دو کافر بت پرست به نام‌های عتیق بن عائذ مخزومی و ابوهاله ازدواج نموده و از آنان صاحب اولاد شده بودند که این درست بر خلاف مبانی اعتقادی شیعه است. زیرا ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست، ایشان را از دایره طهارت خارج کرده و قابلیت مادری برای حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه هدی: را از ایشان سلب می کند؛ به علت آنکه حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه هدی: از مصادیق آیه تطهیر می‌باشند و می‌بایست از هرگونه ناپاکی مبرا باشند که یکی از آن ناپاکی‌ها، آلودگی پدران و مادران ایشان به آلودگی‌های جاهلیت می‌باشد. مضافاً این که ام المؤمنین سلام الله علیها موحد و تابع شریعت ابراهیمی بوده‌اند. طبق شریعت‌های توحیدی ازدواج موحد با کافر و مشرك حرام می‌باشد و اگر بر خلاف دستور دین چنین ازدواجی صورت بگیرد باطل محسوب می‌شود. با این حساب ازدواج ام المؤمنین سلام الله علیها با عتیق و ابوهاله که دو کافر بت پرست بوده‌اند از لحاظ دینی حرام و در صورت وقوع آن، این نه ازدواج شرعی، بلکه امری غیر شرعی محسوب می‌شده است که این خود، نافی پاکی و طهارت می‌باشد. حال در اینجا افرادی که با توجه به تاریخ محرف، ازدواج‌های ام المؤمنین سلام الله علیها با عتیق و ابوهاله را مورد تایید قرار می‌دهند، مقابل دو قضیه متناقض قرار می گیرند؛ اول ادعای تاریخ مبنی بر ازدواج ام المؤمنین سلام الله علیها با دو کافر که با قبول آن می‌بایست معتقد به خروج ایشان از طهارت و عدم قابلیت برای مادری معصومین: باشند، حال آنکه ایشان در واقع مادر این بزرگواران می‌باشند. و دوم اصل اعتقادی عصمت برای معصومین: که به واسطه آن می‌بایست معتقد به پاکی پدران و مادران ایشان باشند. بنابراین با قبول قضیه اول، اصل اعتقادی عصمت که از ضروریات دین است، زیر پا گذارده می‌شود و با قبول اصل عصمت، مساله تاریخی ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست محال به نظر می‌آید. آنچه در این دو مسأله متناقض برای ما روشن است این است که اولاً ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست مسئله ای صرفاً تاریخی است که به خودی خود دارای هیچگونه اعتبار و حجیت شرعی نمی‌باشد؛ یعنی نه در کتاب خدا و نه در سنت نبی اکرم و ائمه هدی: برای آن مویدی یافت نمی‌شود که به واسطه آن دارای اعتبار و حجیت بشود؛ خصوصاً این که تاریخ صدر اسلام مملو از تحریف است که باتوجه به این مطلب، دیگر هیچ وجه عقلایی برای اتکاء به آن تاریخ محرّف یافت نمی‌شود. ثانیاً طهارت آباء و اجداد معصومین: اصل ضروری دین می‌باشد که اعتقاد به آن واجب و عدم اعتقاد به آن موجب خروج از دین می گردد. پس با این حساب در مواجهه این دو قضیه و موراد مشابه با آن آنچه مورد قبول واقع می‌شود، اصل اعتقادی و آنچه طرد می گردد، مسائل تاریخی متناقض با آن می‌باشد و این – نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در هنگام مطالعه و تحقیق تاریخ صدر اسلام تنها راه فهم تحریفات وارد شده در تاریخ محرّف و فرار از انحرافات عقیدتی می‌باشد زیرا هدف دشمنان دین در مساله تحریف تاریخ، جز منحرف کردن مخاطبان آن از اصول عقیدتی ودور نگه داشتن آنان از حقیقت زندگی اولیای دین نبوده است که با نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در حین مطالعه و تحقیق آن ، این تلاش آنان ناکار آمد می گردد. مورد دوم: این مسئله از لحاظ تاریخی دارای اعتبار کافی نمی‌باشد اگر چه اعتقاد داشتن به ازدواج ام المؤمنین سلام الله علیها با دو کافر در زمان جاهلیت، مغایر با اصول اعتقادی دین مبین اسلام است و هیچ تردیدی در بطلان آن نباید داشت، اما اشاره به این مطلب نیز زیباست که منابع اولیه ای که این ادعا از آنان صادر گردیده، تمامی برگشت به اهل تسنن دارد و به طور حتم می‌توان گفت که در هیچ یك از کتب روایی و تاریخی شیعه ردپایی از این ادعا یافت نمی‌شود که این خود جای تأمل بسیار دارد. زیرا اگر شخصی به کتب تاریخی و روایی اهل تسنن اندك مراجعه ای داشته باشد متوجه می‌شود که این کتابها دارای موارد متضاد و متناقض بسیاری هستند که اعتبار آنان نه فقط از طریق شیعه، بلکه از طرف علمای اهل تسنن نیز مورد خدشه می‌باشد؛ به عنوان مثال در بین آن همه کتب روایی اهل تسنن، کتب صحاح از اعتبار خاصی

برخوردار است و در بین همه کتب صحاح، صحیح بخاری بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، به صورتی که اگر ادعا شود اهل تسنن بعد از قرآن، هیچ کتابی را به اندازه صحیح بخاری مورد توجه قرار نمی‌دهند، ادعای گزافی نیست، اما با این حال کتب زیادی در تنقیح احادیث صحیح بخاری نوشته شده که بسیاری از احادیث آن را مورد خدشه قرار می‌دهد. زیرا احادیث مصنوعه، جعلی و نیز نقل‌های تاریخی محرّف زیادی در این کتب وارد شده است که تعصب و عناد و دشمنی با اهل بیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را می‌توان از مهمترین ادله جعل و ورود این احادیث و نقل‌های تاریخی به این کتب دانست. حال با اوضاع وخیمی که در کتب روایی و تاریخی اهل تسنن دارد، دیگر روشن می‌شود که چرا نقل این مساله فقط از طریق اهل تسنن قابل تأمل می‌باشد. زیرا بانیان انحراف و غاصبان خلافت، برای اثبات موضع خود در بین مردم دست به جعل و تحریف دین و تاریخ دین زدند که نتیجه آن را امروز می‌توان در کتب روایی و تاریخی بقایای آنان، یعنی اهل تسنن مشاهده نمود. البته ممکن است این اشکال مطرح شود که این مساله در برخی از کتب روایی و تاریخی شیعه نیز وارد شده که در جواب باید گفت: اولاً نقل‌های وارده در کتب روایی و تاریخی شیعه در این باره نیز به علت برگشت به منابع اهل تسنن فاقد وجاهت و اعتبار می‌باشد. ثانیاً: بزرگان علما شیعه همانند سید مرتضی، شیخ طوسی،ابوالقاسم کوفی و همچنین احمد بکری و بلاذری از علماء اهل تسنن در تصانیف خود زیر بار این مسأله نرفته‌اند و عذراء بودن (باکره بودن) ام المؤمنین سلام الله علیها در حین ازدواج با نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد تاکید قرار داده - اند. و چنانچه گفته شد، غواص دریای روایات اهل بیت: مرحوم علامه مجلسی رحمه الله علیه در کتاب شریف بحارالانوار با ذکر روایتی سن ازدواج خدیجه کبری با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ۲۸ سال بیان کرده است.

خطبه‌ی عقد و مهریه‌ی حضرت خدیجه سلام الله علیها

مشهور آن است که خواستگاری و خطبه‌ی عقد به وسیله‌ی حضرت ابوطالب علیه السلام عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام گردید و پذیرش و قبول آن نیز از سوی عَمْرو بن اَسَد - عموی ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها - صورت گرفت و در برابر این گفتار مشهور، اقوال دیگری نیز وجود دارد ... مانند اینکه خطبه‌ی عقد به وسیله‌ی حمزه بن عبدالمطلب یا دیگری از عموهای آن حضرت انجام شد ... و یا اینکه پدر ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها - خُوَیلِد بن اَسَد - و یا پسر عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها - وَرَقَهْ بن نَوْفَل از طرف ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها قبول کرده و آن بانوی محترمه را به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآورد ... و بلکه در پاره‌ای از روایات گفتار نابجای دیگری نیز نقل شده که ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها به پدر خود خُوَیلِد شرابی داده و او را مست کرد و او در حال مستی این ازدواج را پذیرفت چون به حال عادی بازگشت و از جریان مطلع گردید بنای مخالفت با این ازدواج را گذارده و بالاخره با وساطت و یا در میانی برخی از نزدیکان به ازدواج مزبور تن داده و آن را پذیرفت ... که پاسخ آن را چند تن از راویان و اهل تاریخ عهده‌دار شده، متن گفتار ابن سعد در طبقات پس از ذکر چند روایت بدین مضمون می گوید: «و قال محمد بن عمر: فهذا کله عندنا غلط و وهم و الثابت عندنا المحفوظ عن اهل العلم ان اباها خُوَیلِد بن اَسَد مات قبل الفجار و انعمها عَمْرو بن اَسَد زوجها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم». (۵) یعنی: محمد بن عمر گفته است که تمامی این روایات در نزد ما ناصحیح و موهوم است و صحیح و ثابت نزد ما و دانشمندان آن است که پدر حضرت خدیجه سلام الله علیها یعنی خُوَیلِد بن اَسَد پیش از جنگ فِجار از دنیا رفته بود و عمویش عَمْرو بن اَسَد او را به ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآورد ... و نظیر همین عبارت از واقدی نقل شده (۶) و همچنین اقوال غیر مشهور دیگر را نیز پاسخ داده و نیازی به ذکر آنها نیست (... ۷)

یک اشتباه تاریخی دیگر!؟

در پاره‌ای از روایاتی که در مورد این ازدواج فرخنده رسیده ظاهراً یک اشتباه دیگری نیز رخ داده که به جای عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها – یعنی عَمْرو بن اَسَد – وَرَقَهٔ بن نَوْفَل بن اَسَد (به عنوان عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها آمده که این مطلب گذشته از آنکه در اصل، خلاف مشهور است از نظر نَسَبی هم اشتباه است. زیرا وَرَقَهٔ بن نَوْفَل پسر عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها است، نه عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها ... و بعید نیست که این کار از تصرفات ناقلان حدیث بوده که چون نام عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها در حدیث آمده بوده و وَرَقَهٔ بن نَوْفَل هم شهرتی افسانه‌ای داشته، آن عنوان را با این نام منطبق دانسته و به این صورت درآورده‌اند.

متن خطبه‌ی عقد حضرت خدیجه سلام الله علیها

مرحوم صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و شیخ کلینی در کتاب شریف کافی با مقداری اختلاف خطبه‌ی عقدی را که به وسیله ابوطالب ایراد شده نقل کرده‌اند که متن آن طبق روایت شیخ صدوق (ره) این گونه است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنْ زَرْعِ إِبْرَاهِیمَ وَ ذُرِّیَّهِٔ إِسْمَاعِیلَ وَ جَعَلَ لَنَا بَیتاً مَحْجُوجاً وَ حَرَماً آمِناً یجْبی إِلَیهِ ثَمَراتُ کُلِّ شَیءٍ وَ جَعَلَنَا الْحُکَّامَ عَلَی النَّاسِ فِی بَلَدِنَا الَّذِی نَحْنُ فِیهِ ثُمَّ إِنَّ ابْنَ أَخِی مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا یوزَنُ بِرَجُلٍ مِنْ قُرَیشٍ إِلَّا رَجَحَ وَ لَا یقَاسُ بِأَحَدٍ مِنْهُمْ إِلَّا عَظُمَ عَنْهُ وَ إِنْ کَانَ فِی الْمَالِ قَلَّ فَإِنَّ الْمَالَ رِزْقٌ حَائِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ لَهُ فِی خَدِیجَهَٔ رَغْبَهٌٔ وَ لَهَا فِیهِ رَغْبَهٌٔ وَ الصَّدَاقُ مَا سَأَلْتُمْ عَاجِلُهُ وَ آجِلُهُ مِنْ مَالِی وَ لَهُ خَطَرٌ عَظِیمٌ وَ شَأْنٌ رَفِیعٌ وَ لِسَانٌ شَافِعٌ جَسِیم» (۸) یعنی: سپاس خدای را که ما را از کشت و محصول ابراهیم و ذریه اسماعیل قرار داد و برای ما خانه‌ی مقدسی را که مقصود حاجیان است و حرم امنی است که میوه هر چیز به سوی آن گرد آید بنا فرمود و ما را در شهری که هستیم حاکمان بر مردم قرار داد. سپس برادرزاده‌ام محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب مردی است که با هیچ یک از مردان قریش هم وزن نشود جز آنکه از او برتر است و به هیچ یک از آنها مقایسه نشود جز آنکه بر او افزون است و او اگرچه از نظر مالی کم مال است ولی مال پیوسته در حال دگرگونی و بی‌ثباتی و همچون سایه‌ای رفتنی است و او نسبت به ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها راغب و حضرت خدیجه سلام الله علیها نیز به او مایل است و مهریه او را نیز هر چه نقدی و غیر نقدی بخواهید آماده است و محمد را داستانی بزرگ و شانی والا و شهرتی عظیم خواهد بود. و در کتاب شریف کافی این گونه است که پس از این خطبه، عموی حضرت خدیجه سلام الله علیها خواست به عنوان پاسخ ابوطالب سخن بگوید ولی به لکنت زبان دچار شد و نتوانست، از این رو ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها خود به سخن آمده گفت: عمو جان: اگر چه شما به عنوان گواه اختیاردار من هستی ولی در اختیار انتخاب من خود شایسته تر از دیگران هستم و اینک ای محمد من خود را به همسری تو در می‌آورم و مهریه نیز هر چه باشد به عهده‌ی خودم و در مال خودم خواهد بود، اکنون به عموی خود (حضرت ابوطالب علیه السلام) دستور ده تا شتری نحر کرد (۹) و ولیمه‌ای ترتیب دهد و به نزد همسر خود آی! حضرت ابوطالب علیه السلام فرمود: گواه باشید که خدیجه محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به همسری خویش پذیرفت و مهریه را نیز در مال خود ضمانت کرد! برخی از قریشیان با تعجب گفتند: شگفتا! که زنان مهریه مردان را به عهده گیرند؟! حضرت ابوطالب علیه السلام سخت به خشم آمده روی پای خود ایستاد و گفت: آری اگر مردی همانند برادرزاده من باشد زنان با گرانبهاترین مهریه‌ی خود خواهانشان می‌شوند و اگر همانند شما باشند جز با مهریه گرانبها حاضر به ازدواج نمی‌شوند! و در روایت خرائج راوندی است که چون خطبه عقد به پایان رسید و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برخاست تا به همراه عمویش حضرت ابوطالب علیه السلام به خانه برود حضرت خدیجه سلام الله علیها به آن حضرت عرض کرد ...: «إِلَی بَیتِکَ فَبَیتِی بَیتُکَ وَ أَنَا جَارِیتُکَ» (۱۰) یعنی: به سوی خانه‌ی خود بیا که خانه من خانه تو است و من هم کنیز توام! و از کتاب المنتقی کازرونی نقل شده که چون مراسم عقد به پایان رسید حضرت خدیجه سلام الله علیها به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد ...: «یا مُحَمَّدُ مُرْ عَمَّکَ أَبَاطَالِبٍ ینْحَرْ بَکْرَهً مِنْ بَکَرَاتِکَ وَ أَطْعِمِ النَّاسَ عَلَی الْبَابِ وَ هَلُمَّ

فَقِل (۱۱) مَعَ أَهْلِكَ فَأَطْعَمَ النَّاسَ وَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ مَعَ أَهْلِهِ خَدِيجَةَ» (۱۲) یعنی ای محمد به عمویت ابوطالب دستور ده شتر جوانی از شترانت را نحر کند و مردم را بر در خانه اطعام کن و بیا در کنار خاندانت چاشت (۱۳) را به استراحت بگذران. و حضرت ابوطالب علیه السلام این کار را کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نزد حضرت خدیجه سلام الله علیها آمده و در کنار او به استراحت روزانه پرداخت و این دو حدیث دلالت بر کمال علاقه و عشق حضرت خدیجه سلام الله علیها نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارد چنانچه تا پایان عمر این عشق را نسبت به آن حضرت حفظ کرده بود. صلوات الله علیهما.

مهریه ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها

در اینکه مهریه چقدر بود و پرداخت آن را چه کسی به عهده گرفت اختلافی در روایات دیده می‌شود که از آن جمله روایت بالا است که در آن بدون ذکر مقدار آمده است که پرداخت آن را حضرت خدیجه سلام الله علیها به عهده گرفت. و از کشف الغمه از ابن حماد و نیز از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها را با مهریه دوازده اوقیه طلا ـ به ازدواج خویش در آورد و مهریه‌ی زنان دیگر آن حضرت نیز همین مقدار بود. (۱۴) و در اعلام الوَری طبرسی دوازده اوقیه و نیم ذکر شده چنانچه از دانشمندان اهل سنت نیز مؤلف سیرهٔ الحلبیه همین قول را نقل کرده و سپس گفته است که هر اوقیه چهل درهم است که در نتیجه مجموع مهریه پانصد درهم شرعی بوده است. و تفاوت دیگری که در نقل سیره حلبیه دیده می‌شود آن است که گوید: پرداخت مهریه مزبور را ابوطالب به عهده گرفت. (۱۵) و قول دیگری که در سیره حلبیه و سیره ابن هشام و برخی از تواریخ دیگر آمده آن است که گفته‌اند: «وَ أَصْدَقَهَا رَسُولُ اللَّه – صلی الله علیه و آله و سلم – عِشْرِين بَكْرَةً». (۱۶) یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت خدیجه سلام الله علیها بیست شتر ماده‌ی جوان مهریه داد و در نقل دیگری نیز آمده که وَرَقَة بن نَوْفَل حضرت خدیجه سلام الله علیها را با مهریه‌ی چهارصد دینار به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآورد (۱۷) و از کامل مبرد نقل شده که بیست شتر را حضرت ابوطالب علیه السلام به عهده گرفت و دوازده اوقیه و نیم طلا را خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرداخت که مهریه مجموع آنها بود. (۱۸) نگارنده گوید: روایاتی که در باب «مهر السنه» آمده همان روایت پانصد درهم را تایید می‌کنند، چنانچه در چند حدیث با اندک اختلافی آمده که امام باقر و امام صادق علیهماالسلام فرمودند: «مَا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّه – صلی الله علیه و آله و سلم – شَيئاً مِنْ بَنَاتِهِ وَ لَا تَزَوَّجَ شَيئاً مِنْ نِسَائِهِ عَلَى أَكْثَرَ مِنِ اثْنَتَى عَشْرَةَ أُوقِيةً وَ نَشٍّ يعْنِي نِصْفَ أُوقِيةٍ». (۱۹) یعنی تزویج نکرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هیچ یک از دختران خود و نه هیچ یک از زنانش را به بیش از دوازده اوقیه و نیم. و طبرسی (ره) در اعلام الوری گوید ...: «وَ مَهْرُهَا اثْنَتَا عَشْرَةَ أُوقِيةً وَ نَشٌّ وَ كَذَلِكَ مَهْرُ سَائِرِ نِسَائِهِ». (۲۰) و در روایت امام صادق علیه السلام این گونه است که فرمود: «مَا تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ – صلی الله علیه و آله و سلم – شَيئاً مِنْ نِسَائِهِ وَ لَا زَوَّجَ شَيئاً مِنْ بَنَاتِهِ عَلَى أَكْثَرَ مِنِ اثْنَتَى عَشْرَةَ أُوقِيةً وَ نَشٍّ وَ الْأُوقِيةُ أَرْبَعُونَ دِرْهَماً وَ النَّشُّ عِشْرُونَ دِرْهَماً». (۲۱) و در داستان ازدواج حضرت جواد الائمهٔ علیه السلام با دختر مأمون عباسی نیز آمده که فرمود: «و بذلت لها من الصداق ما بذله رسول الله – صلی الله علیه و آله و سلم – لازواجه و هو اثنتا عشرهٔ اوقیه و نش – و علی تمام الخمس مائهٔ» (... ۲۲) یعنی من صداق (۲۳) او را همان قرار دادم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به زنانش بذل فرمود و آن دوازده اوقیه و نیم بود که تمامی پانصد درهم بر ذمه من است...

فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه سلام الله علیها

[پسران حضرت خدیجه سلام الله علیها]

مورّخان می گویند: پسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی قاسم که کنیه رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم نیز از نام او بود و عبداللّه ملقب به طاهر یا طیب در خردسالی و یکی پیش از بعثت و دیگری اندکی بعد از آن درگذشتند. امّا روایت غم‌انگیزی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ام المؤمنین حضرت خدیجه‌ی کبری سلام الله علیها نقل شده است که: «آن بانوی بزرگوار چند روز پس از وفات قاسم در خانه نشسته بود و می گریست. (۲۴) چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد علت این کار را پرسید او گفت: از سینه‌هایم شیر جاری شد و من به یاد فرزند کوچکم افتادم که اکنون گرسنه و تنها در زیر خاک آرمیده است. و نظیر این حدیث را در مورد عبدالله و طاهر نقل کرده‌اند، که در هر دو مورد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها را بشارت می‌دهد که فرزندان کوچک تو بسان فرشتگان در کنار در بهشت به انتظار ورودت به سر می‌برند تا با دستان کوچک خود تو را به باغهای بهشتی رهنمون شوند. این موضوع نشان می‌دهد هر دوی پسران نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها در سن کودکی و شیرخوارگی از دنیا رفته‌اند. دلیل دیگر اثبات این قضیه نیز انتساب عنوان ابتر به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از سوی کفار بود که چون پسرانش زود از دنیا می‌رفتند این چنین او را مورد استهزاء قرار می‌دادند. به هر حال درگذشت این دو پسر که می‌توانستند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در پیشبرد دین خدا یاری بسیار کنند برای این زوج نمونه، بسیار گران آمده بود. از تاریخ یعقوبی نقل شده است هنگامی که قاسم در چهار سالگی از دنیا رفت، نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کنار جنازه او به یکی از کوههای مکه افتاد و خطاب به آن فرمود: «ای کوه! آنچه به من در مورد مرگ قاسم وارد شد، اگر بر تو می‌آمد متلاشی می‌شدی». (۲۵)

[دختران حضرت خدیجه سلام الله علیها]

زینب:

ایشان بزرگترین دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها بود. ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها ، زینب را به عقد خواهرزاده‌ی خود ابوالعاص بن ربیع درآورد که از آنها پسری به نام علی و دختری به نام امامه حاصل شد. علی در سنین پائین وفات یافت و اما امامه که از همسر اول خود مُغِیرَهْ بن نَوْفَل جدا شده بود پس از شهادت حضرت زهرای مرضیه سلام الله علیها به وصیت خودش به عقد امیرالمؤمنین علیه السلام درآمد. زینب هنگام هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه به همراه شوهرش ابوالعاص در مکه باقی ماند به هنگام جنگ بدر (در سال دوم هجرت) ابوالعاص از لشگریان دشمن بود که به همراه هفتاد نفر دیگر از مشرکین به اسارت نیروهای اسلام درآمد. هنگامی که قرار شد اسرا با پرداختن فدیه آزاد شوند زینب برای آزادی شوهرش گردنبندی که حضرت خدیجهٔ کبری سلام الله علیها در شب عروسی به گردنش آویخته بود، به مدینه فرستاد. ابوالعاص آن را به عنوان فدیه به محضر سرور عالمیان آورد و چون نگاه نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن گردنبند افتاد بی‌اختیار گریست و به یاد همسر فداکارش ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها افتاد و فرمود: «رَحِمَ اللَّه خَدِیجَهْ، هذه قَلَائِد هِی جَهَّزْتها بِها خداوند خدیجه را رحمت کند، این گردنبندی است که خدیجه آن را برای زینب فراهم کرده است.» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابو العاص را به شرط آنکه زینب را آزاد بگذارد تا به مدینه بیاید، رها کرد و وی نیز به عهد خود وفا نمود و زید بن حارثه به مکه رفت و او را با خود به مدینه آورد سرانجام ابو العاص قبل از فتح مکه مسلمان شد و به مدینه آمد تا با زینب ازدواج دوباره نماید. زینب در سال هشتم هجرت در مدینه از دنیا رفت.

آیا ام‌کلثوم و رقیه فرزندان حضرت خدیجه سلام الله علیها بودند؟

اشاره

یک بازنگری درباره فرزندان خدیجه سلام الله علیها اخیراً محقق دانشمند لبنانی، جعفر مرتضی عاملی کتابی به نام «بنات النبی ام الربائبه؟» تالیف نموده که کتابی مستند و تحلیلی و جالب است، او در این کتاب پس از نقل روایات مختلف از کتابهای شیعه و اهل تسنن و بررسی‌های گوناگون چنین نتیجه می گیرد: ۱ – از بررسیها می‌توان نتیجه گرفت: ازدواج رقیه و ام کلثوم با پسران ابولهب، سپس با عثمان از امور واهی است و ثابت نشده است و در مورد عثمان، تشابه اسمی موجب این اشتباه گردیده است. ۲ – شواهد متعددی وجود دارد که ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها قبل از پیامبر ازدواج نکرده است و هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دوشیزه بوده است. و از علامه‌ی سوری (ابن شهر آشوب) نقل می کند که می‌نویسد: «ان النبی قد تزوج خدیجه و هی عذراء» همانان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه سلام الله علیها که دوشیزه بود ازدواج کرد. چنانکه دو کتاب «الانوار» و «البدع» این مطلب را تأکید می کند آنجا که در آنها نقل شده: رقیه و زینب دختران هاله خواهران خدیجه سلام الله علیها بوده‌اند. یکی از اموری که مطلب فوق را تأیید می کند حدیثی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: «یا علی اوتیت ثلاثاً لم یوتهن احد و لا نا، اوتیت مهراً مثلی و لم اوت انا مثلی» علی جان به تو در زندگی سه امتیاز و ویژگی ارزانی گردید که به هیچکس دیگر از مردم حتی به من ارزانی نشد: ۱ – به تو افتخار دامادی من داده شد در حالی که من پدر همسری به سان تو ندارم. ۲ – به تو همتا و همسری همانند دختر فرزانه‌ام فاطمه سلام الله علیها عنایت شد در حالی که به من همتا و همدلی به سان و هموزن او ارزانی نگردید. ۳ – به تو بدون واسطه پسرانی ارجمند و تاریخ ساز همانند حسن و حسین علیهما السلام عنایت گردید، اما به من عنایت نشد، اما شما از من هستید و من از شما. از این روایت با توجه به ویژگی اول فهمیده می‌شود که پیامبر تنها یک داماد داشت و آن حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام بود. بعضی بر این باورند که اصرار برخی در مورد ام کلثوم و رقیه به عنوان دختران پیامبر و همسران عثمان از این رو است که فضائل مخصوص حضرت علی علیه السلام را با رقیب تراشی کم رنگ کنند، از این رو عثمان را به عنوان ذوالنورین (صاحب و همسر دو نور ام کلثوم و رقیه) می‌خوانند ولی با اینکه حضرت زهرا سلام الله علیها به اعتقاد همه، برترین زنان دو جهان بود و همسر حضرت علی علیه السلام گردیده چنین لقب یا امثال آن را به آن حضرت نمی‌دهند.

پاسخ به دو سئوال

در اینجا دو سئوال پیش می‌آید نخست اینکه: اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دخترانی نداشت، تا بگوئیم با پسران ابولهب و سپس با عثمان ازدواج کردند، پس چرا در قرآن سخن از دختران رسول خدا به میان آمده است آنجا که می‌خوانیم «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک» ... ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: روسرهای بلند خود را بر خویش فرو افکنند (و حجاب را رعایت کنند.) و همچنین در بعضی از دعاها یا روایات سخن از دختران پیامبر به میان آمده مثلاً در یکی از دعاهای ماه مبارک رمضان آمده: «اللهم صل علی رقیه و ام کلثوم ابنتی نبیک ؛ ... خدایا درود فرست بر رقیه و ام کلثوم و دو دختر پیامبرت». در پاسخ به هر دو سئوال همان را می گوئیم که قبلاً اشاره شد و آن اینکه: این بانوان دختران هاله خواهر خدیجه سلام الله علیها بودند و پس از مردن پدرشان تحت کفالت خدیجه سلام الله علیها در آمدند، و پس از ازدواج صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه سلام الله علیها تحت سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفتند و به عنوان دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خوانده شدند و اسلام را پذیرفتند و هجرت به مدینه کردند و ... بنابراین چه مانعی دارد که منظور از دختران در آیه و دعای مذکور ، دختر خوانده‌های صلی الله علیه و آله و سلم باشند و یا منظور از آیه مذکور همچون آیه مباهله تنها حضرت زهرا سلام الله علیها باشد.

فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها:

اگرچـه سـخن گفتن در مـورد این بـانوی مکرم در انـدازه و گنجـایش این مختصـر نیست و در مـورد او همچـون مـادر بزرگـوارش می‌توان صـفحات زیـادی مطلب نوشت امـا به لحاظ حفظ رونـد اصـلی نوشـتار، ذکری مختصـر به میان خواهـد آمـد. «إِنَّا أَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَرَ» ... حضـرت فاطمه سـلام الله علیها کوچکترین فرزند حضـرت خدیجه سلام الله علیها و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود. در مورد وی احـادیث، روایـات و آیات فراوانی نقل شـده است. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم می‌فرمایـد: «فَاطِمَةُ حَوْرَاء إِنْسِیَّةٌ؛ فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَی الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رَائِحَةَ رقبـۀ فاطمـۀ» فاطمه بانوی بهشتی است که به صورت انسان روی زمین در آمد، هرگاه مشتـاق بهشت می‌گردم بوی خوش وجود فاطمه را می‌بویم» (۲۶) باز هم حدیثی نقل شده که از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم پرسیدند چرا میزان علاقه‌اش به فاطمه سلام الله علیها بیش از سایر فرزندانش است، حضرت فرمودند: «هنگامی که من در شب معراج به آسـمانها سیر داده شدم، جبرئیل مرا در کنار درخت طوبی برد، (۲۷) میوه‌ای از میوه‌های آن درخت را چیـد و به من داد، آن را خوردم، سپس دستش را بر میان دو شانه‌ام کشید، آنگاه فرمود: «ای محمد! خداوند متعال ولادت فاطمه سلام الله علیها از ام المؤمنین حضـرت خدیجه سلام الله علیها را به تو مژده می‌دهد» (۲۸) از این حـدیث و قریب آن از لحاظ مفهوم در کلام محدثان و راویـان بسیار نقل شـده است. لـذا آن وجود مبارکه، انسانی ممتاز و در میان زنان عصر خود سـرآمد بود. نیز روایت شـده قبل از حمل یافتن حضرت فاطمه سلام الله علیها در بطن خدیجه‌ی کبری، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم چهل روز از وی کناره گرفت و به تنهائی به عبادت و راز و نیاز مشغول گشت. حضرت فاطمه سلام الله علیها در ۹ سالگی به ازدواج پسر عمویش علی بن ابیطالب علیه السـلام درآمد پس از ۹ سال حیات پر برکت و به دنیا آوردن فرزندانی که هر کدام بخشـی از تاریخ بشریت به شـمار می‌آیند به شهادت رسید.

زندگی حضرت خدیجه سلام الله علیها قبل از رسالت

بعد از مراسم خواسـتگاری، ام المؤمنین حضـرت خدیجه سـلام الله علیها پسـر عمویش وَرَقَۀ را خواست و گفت: نزد محمد صلی الله علیه و آله و سـلم برو و بگو: غلامـان و کنیزان و هر آنچه مالک آنم به تو بخشـیدم؛ هر گونه که بخواهی می‌توانی در آنها تصـرف کنی. پس وَرَقَه میان زمزم و مقام ایستاد (۲۹) و با صدای بلند ندا در داد: ای گروه عرب! خدیجه شما را شاهد قرار می‌دهد بر اینکه او نفس و مال و غلامان و هر آنچه دارد را به محمـد بخشـیده است. البته سـرور زنان قریش در عمل نیز گفتارش را به اثبات رساند، به نوشـته‌ی مورخـان او وقتی از علاقه‌ی پیامبر به اخلاق پاک زیـد، (یکی از غلامانش) آگاه شـد، غلام را به وی بخشـید. (او همان شخصـی است که جزء سـابقین در اسـلام شـد.) توان اقتصـادیش را تا لحظه وفات در خـدمت همسـرش قرار داد و در سایه‌ی عشق فرصـت عبـادت و خلـوت بیشـتر در غـار حرا را برایش فراهـم می‌سـاخت. البته زنـدگی سـرور زنـان قریش در کنـار این امتیـازات با تلخی‌هایی نیز همراه بود؛ زنان آن روزگار چون مردان با مفاهیمی مانند خوشـرفتاری، راسـتگویی و امانتداری بیگانه بودند و فلسـفه ازدواج ام المؤمنین حضـرت خـدیجه سـلام الله علیها با یتیم تهیدست قریش را درک نمی‌کردند. از این رو لب به طعنه می‌گشودند، خواسـته یا ناخواسـته سـرور بانوان قریش را در اندوه فرو می‌بردند. آنها روابط خود را با ام المؤمنین حضـرت خدیجه سلام الله علیها قطع کردنـد و او را تنهـا گذاشـتند. بزرگ بانوان قریش برای رویارویی با این پدیـده‌ی زشت جاهلی، زنان را گرد آورد و گفت: از زنان عرب شنیده‌ام که شوهران شما بر من خُرده می‌گیرند که چرا با محمد صلی الله علیه و آله و سلم وصلت کرده ام. اینک از شما می‌پرسم آیـاماننـد محمـد در جمـال، خوش‌رفتاری، خصـلتهای پسـندیده و فضل و شـرف در اصل و نسب در مکه و غیر آن سـراغ دارید؟ گرچه ام المؤمنین حضـرت خدیجه سلام الله علیها با طرح این سؤال به آنان فهماند که همسنگی برای محمد صلی الله علیه و

آله و سلم یافت نمی‌شود اما نتوانست زنگار جهل دلهاشان را پاک کند و در رفتارشان دگرگونی محسوسی پدید آورد. هنگام رسالت غیر علنی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها پیوسته در انتظار درخشش انوار نبوت از سیمای مهربان همسرش بود از این رو وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از غار حرا به خانه آمد و ماجرای نزول فرشته‌ی وحی را برایش باز گفت، بی‌درنگ آن را تایید کرد و به درستی گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد. او گفت: ای پسر عمو، شاد و ثابت‌قدم باش. سوگند به کسی که جان خدیجه در دست اوست، من امیدوارم تو پیامبر این امت باشی. حضرت خدیجه سلام الله علیها در تمام مراحل زندگیش با پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یار و آرام بخش ایشان بود. البته جایی برای تعجب وجود ندارد چرا که در محدوده‌ی روابط سالم خانوادگی این کار منطقی و آرمانی است؛ روابطی که آیین اسلام نیز به آن تاکید نموده است. «وَ مِنْ آیاتِهِ أنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیها.» (۳۰) او کسی است که برای شما از خودتان زوجهایی آفرید تا آرامش یابید. نمونه‌های متنوعی از ایجاد آرامش در زندگی حضرت خدیجه سلام الله علیها و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد. ابن هشام می‌نویسد: «حضرت خدیجه سلام الله علیها به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد، گفتارش را تصدیق کرد و او را یاری داد و اولین شخصی است که به خدا و رسولش و درستی آیات الهی ایمان آورد. خداوند به این طریق به پیامبرش آرامش داد به نحوی که هیچ خبر ناراحت کننده‌ای از قبیل رد و تکذیب را نمی‌شنید مگر اینکه خداوند به واسطه‌ی حضرت خدیجه سلام الله علیها گشایشی برایش ایجاد می‌کرد. وقتی خدا پیامبرش را به حضرت خدیجه سلام الله علیها برمی‌گرداند، او را ثابت قدم می‌کرد؛ دشواریها را بر او آسان می‌کرد و تصدیقش کرده، کار مردم را برایش آسان می‌ساخت رحمت خدا بر او باد.» آنچه بر عظمت این خدمت می‌افزاید این است که هیچگاه خود از راحتی ظاهری مطلوبی برخوردار نشد، نه آن زمان که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرد و طعن و ملامت شنید و نه در مراحل دیگر. تاریخ به خوبی اسم برخی از آزاردهندگان و بر هم زنندگان آرامش خانه‌ی رسول صلی الله علیه و آله و سلم را ثبت کرده است. «ابولهب، حَکَم بن عاص بن امیه، عُقْبَهٔ بن ابی‌مُعَیط، عدی بن حمرا ثقفی و ابن الاصداء هذلی» همسایگانی بودند که آزارش می‌دادند و آسایش را از خانه وی سلب می‌کردند. یکی از اینان، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حال نماز بود، رَحِم گوسفندی را بر سر آن بزرگوار انداخت. یک بار نیز شخصی خاک بر سر آن حضرت ریخت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با همان حال به خانه رفت. وضع پریشان پدر همه را در نگرانی و اندوه فرو برد. حضرت فاطمه سلام الله علیها دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به پا خاست، خاک از سر پدر زدود و گریست. پدر گفت: دخترم گریه نکن خداوند نگاهبان پدرت است. جُهال عرب برای انتقام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گرفتند بستگان وی را از خانه‌هایشان بیرون کنند. از این رو دختر خدیجه سلام الله علیها را طلاق دادند و ضربه‌ای دیگر به سرور زنان قریش وارد ساختند. با این حال بانوی پارسای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با درایت و صبر محیط خانه را آرام می‌ساخت و حتی برای رفع ناراحتی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تلاش می‌کرد.

واقعه‌ای مهم در زندگی حضرت خدیجه سلام الله علیها

شاید بتوان یکی از مهمترین وقایع را که عاملی بزرگ برای جاودانگی نام ایشان است، ولادت ام الإئمه حضرت صدیقه‌ی کبری - فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها - به شمار آورد. این حادثه هر چند به صورتهای گوناگونی نقل شده اما مضمون واحدی دارد. هنگامی که درد زایمان به سراغ ایشان آمد، به واسطه‌ی فرستاده‌ای از زنان قریش یاری طلبید. زنان قریش با سرزنش ایشان که به سخن ما اعتنا نکردی و با یتیم قریش ازدواج کردی، استمداد ایشان را رد کردند. در این هنگام چهار زن بلند قامت وارد اتاق شدند. آنها خود را این گونه معرفی کردند: ساره (همسر حضرت ابراهیم علیه السلام) آسیه (همسر فرعون) مریم (مادر حضرت

عیسی علیه السلام) و کُلثُم (خواهر حضرت موسی علیه السلام). آنها گفتند: ما از سوی خداوند برای کمک به شما و بشارت به قدوم فرزندتان آمده‌ایم، در این فرزند و نسل او برکت قرار داده شده است. (۳۱) این اتفاق از عنایت خداوند متعال به خدیجه‌ی کبری سلام الله علیها حکایت دارد. وقتی همه از یاری ایشان سر باز زدند فرستادگان الهی نصر خداوند را برای وی به ارمغان آوردند و معلوم ساختند که إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ. (۳۲)

اولین زنی که ایمان آورد

ایمان آوردن ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها به رسالت و دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حذیفه: حضرت خدیجه سلام الله علیها در بین زنان اولین زنی بود که به خدا و محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد. ابن عباس: «کانت خدیجهٔ بنت خُوَیلِد أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ صدق محمدا فی ما جاء به عَنْ رَبِّهِ.» حضرت خدیجه سلام الله علیها اولین کسی بود که به خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد و محمد صلی الله علیه و آله و سلم را، در آن چه از سوی خدایش آورده بود، تصدیق کرد. ابن هشام: «آمَنَتْ بِهِ خَدِیجه بِنْتَ خُوَیلِد و صدقت بِمَا جَاءَ مِنَ اللَّهِ وَ وازرته عَلَی أَمْرِه و کانتا وَ لِمَنْ آمَنَ بِاللَّه وَ بِرَسُولِهِ وَ صَدَّقَ بِمَا جَاءَ مِنْهُ.» حضرت خدیجه دختر خُوَیلِد به او [محمد] ایمان آورد و آنچه را از طرف خدا آورده تصدیق کرد، او را در کارش یاری داد و اولین کسی بود که به خدا و رسول و درستی آنچه آورده بود ایمان آورد. مسلم: «کَانَتْ خَدِیجَةُ وَزِیرَةَ صِدْقٍ عَلَی الْإِسْلَام وَ کَانَ یشْکُنُ إِلَیهَا.» حضرت خدیجه سلام الله علیها وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، اسلام را تصدیق کرد و پیامبر به واسطه او آرامش می‌یافت. طبری: «فَلَمَّا اکرم رَسُولُ اللَّه بِنُبُوَّتِهِ آمَنَتْ بِهِ خَدِیجَةً.» وقتی پیامبر به نبوت تشرف یافت، حضرت خدیجه به او ایمان آورد. ام المؤمنین حضرت خدیجه در همان دوران دعوت پنهانی (سه سال اول) اسلام خود را اعلام کرد. ابو یحیی بن عفیف از پدرش و او از جدش عفیف، که تاجر مشهوری بود روایت کرده که وقتی پای به مسجدالحرام نهاد با منظره‌ای شگفت رو به رو شد او سه نفر را در حال نماز خواندن دید. از ابن عباس درباره‌ی کردار آنها پرسید. گفت: نفر نخست مدعی نبوت است، مرد پشت سرش علی و آن زن هم همسر محمد صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه است. غیر از اینها کسی را بر این آیین سراغ ندارم. (۳۳) حضرت علی علیه السلام خود خاطره‌ی آن روزها را چنین بیان می‌کند ...: «وَ لَمْ یجْمَعْ بَیتٌ وَاحِدٌ یوْمَئِذٍ فِی الْإِسْلَام غَیرَ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَدِیجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا أَرَی نُورَ الْوَحْی وَ الرِّسَالَةِ وَ أَشَمُّ رِیحَ النُّبُوَّة» ...کسی آن روز در اسلام جمع نشد غیر از رسول خدا، خدیجه و من سومین آنها بودم. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را به مشام احساس می‌کردم. (۳۴) وجود شخصیت‌هایی چون حضرت ابوطالب علیه السلام و ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها ، به این دلیل که دارای موقعیت برتر اجتماعی بودند، از بار فشارهای روانی و ظاهری مشرکان علیه آیین نوپای محمدی صلی الله علیه و آله و سلم تا حدود زیادی می‌کاست. ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها با شهامت تمام همراه علی علیه السلام در اعلام موجودیت جامعه‌ی اسلامی شرکت جست.

دعوت آشکار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به اسلام

اشاره

سه سال پس از آغاز بعثت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دعوتش را علنی ساخت. حضرت ابوطالب، حضرت خدیجه و حضرت علی، با جان و دل از وی پشتیبانی کردند. خدمات حضرت خدیجه سلام الله علیها در این دوران از دو جنبه قابل ارزیابی است:

۱ – حمایت اجتماعی

ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها به دلیل وجهه‌ی مناسب اجتماعی توانست بارها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را از شر افراد نادان برهاند؛ برای مثال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ایام حج، بالای کوه صفا رفت و با صدای بلند ندا داد که: ای مردم من فرستاده پروردگارم. آنگاه به کوه مروه رفت و سه بار سخن پیشین را تکرار کرد. عرب‌های متعصب (۳۵) هر یک سنگی برداشته در پی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روانه شدند. ابوجهل سنگی پرتاب کرد که به پیشانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اصابت کرد، خون از پیشانی‌اش جاری شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به کوه ابوقبیس رفت، مشرکان نیز در پی او روانه شدند. حضرت علی علیه السلام خود را به ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها رساند و موضوع را به وی باز گفت. اشک بر گونه‌های حضرت خدیجه سلام الله علیها جاری شد، ظرفی از غذا برداشت و برای یافتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با علی علیه السلام راهی کوه‌ها و دشت‌ها شد. جبرییل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و فرمود: از گریه‌ی حضرت خدیجه سلام الله علیها ملائک به گریه آمدند. او را بخواه، سلام برسان، بگو خدا به تو سلام می‌رساند و او را به خانه‌ای بهشتی که از نور زینت شده، بشارت بده. حضرت خدیجه سلام الله علیها و حضرت علی علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را یافته، به خانه آوردند. مردم به خانه‌ی حضرت خدیجه سلام الله علیها حمله ور شده، خانه را سنگباران کردند. حضرت خدیجه سلام الله علیها بیرون آمد و گفت: آیا از سنگباران کردن خانه زنی که نجیب‌ترین قوم شماست، شرم ندارید؟ مردم با شنیدن سخنانش پراکنده شدند و او برای مداوای همسرش به خانه بازگشت. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سلام خدا را به وی رساند. او در پاسخ گفت: إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَى جَبْرَئِيلَ السَّلَام و عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللَّهِ السلام و بركاته. خدا خود سلام است و سلام از اوست و سلام بر جبرییل و بر تو ای رسول خدا، رحمت و برکات خداوند بر تو باد. (۳۶)

۲ – حمایتهای عملی و مالی

ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها نه تنها از اعتبار و موقعیت اجتماعی خود برای دفاع از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سود می‌برد، بلکه با ورود به صحنه‌های دشوار به دفاع از حریم نبوت پرداخت. او خود در شعب ابی‌طالب حضور یافت و همراه پیامبر سه سال در آنجا به سر برد. این سه سال را می‌توان سالهای اوج فداکاری ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها نامید. او در طول سه سال تحریم اقتصادی تامین نیازهای مالی مسلمانان را بر عهده داشت. علاوه بر اموال ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها ، ثروت بستگان او مانند حکیم بن حِزَام نیز در جهت یاری دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم صرف می‌شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها فداکاری امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها را مطرح ساخت و بر این حقیقت که او در راه اسلام از اموالش گذشت تاکید کرد.

نقش امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها در پیشبرد اسلام

وقتی حضرت امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها دریافت که سعادتمند شده، هر چه داشت در راه پیشرفت و موقعیت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم انفاق کرد. او تمام اموال خویش را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بخشید و در راه نشر اسلام به مصرف رساند. تا جایی که هنگام ارتحال، پارچه‌ای برای کفن نداشت. ابن اسحاق جمله‌ای در شان امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها دارد که گویای همکاری و صداقت او در پیشبرد اسلام است. او می گوید: «خدیجه یاور صادق و با وفایی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و مصیبت‌ها در پی رحلت امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها و حضرت ابوطالب علیه السلام

بر پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم سـرازیر شـد.» گویا این دو، در برابر هجوم ناملایمات بر پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم ، سدی بلند و مستحکم بودند. این جمله، معروف که اسـلام رهین اخلاق پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم ، شمشـیر حضـرت علی علیه السـلام و اموال امّ المؤمنین حضـرت خدیجه سـلام الله علیها است از نهایت همکاری و صداقت حضـرت خدیجه سـلام الله علیها پرده برمی دارد.

القاب گرامی امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها

اشاره

برای امّ المؤمنین حضـرت خدیجه سـلام الله علیها القاب فراوانی است که از عظمت بیکران و قداست بی پایان آن حضـرت حکایت می کند، که از آن جمله است:

۱. صدّیقه:

در فرازی از زیارتنامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام درود بر زوجات طاهرات، از حضرت خدیجه سلام الله علیها به عنوان «الصّدیقه» تعبیر شده و این واژه در قرآن یکبار به کار رفته و آن هم در مورد حضـرت مریم و حضرت صادق علیه السلام آن را به معنای معصوم بیان فرموده است.

۲. مبارکه:

خداوند مَنّان به حضـرت عیسـی علیه السـلام وحی فرمود که نسل پیامبر آخر الزمان از بانوی مبارکه است عبدالله بن سـلیمان نیز این معنی را از «انجیل» روایت کرده است.

۳. امّ المؤمنین:

همسـران پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم و در رأس آنها حضـرت خـدیجه سـلام الله علیها در منطق قرآن «ام المؤمنین» لقب یافته‌اند، ولی به تصریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وی برترین و بهترین آنان می‌باشد و بعضی‌ها هم به دلیل بی تقوائی از امهات مؤمنین خارج شدند.

۴. طاهره:

مشهورترین لقب حضرت خدیجه سلام الله علیها در عصر جاهلیت «طاهره» بود زیرا او پاک‌ترین و عفیف‌ترین بانوی آن دوران بود.

۵. بانوی بانوان

امیرمؤمنان علیه السلام در چکامه‌ای که به عنوان سوگنامه‌ی حضرت خدیجه سلام الله علیها سروده‌اند، از او به عنوان «سیدۀ النّسوان» ، بانوی بانوان تعبیر کرده‌اند. امام صادق علیه السـلام نیز از او به «سّیده قریش» یاد کرده‌اند. اسـماء بنت عمیس نیز او را «سـیدۀ نساء العالمین» می‌خواند و در عهد جاهلی او را «سیده نساء القریش» می‌خواندند.

۶. دیگر القاب

در زیارتنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت خدیجه سلام الله علیها به عنوان: راضیه، مرضیه و زکیه نیز تعبیر شده است. یتیمان او را «امّ الیتامی» ، بینوایان او را «امّ الصعالیک» ، مؤمنان او را «امّ المؤمنین» و کوثر جاری خلقت نیز او را «امّ الزهراء» یا سرچشمه کوثر می‌دانستند.

رحلت امّ المؤمنین حضرت خدیجه‌ی کبری سلام الله علیها

حضرت خدیجه سلام الله علیها بیست و چهار سال با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زندگی کرد و سرانجام در بستر بیماری قرار گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که بر بالین او حاضر بود، ضمن گفتگوی با وی فرمود: خدا تو را با مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم برابری داده است. وقتی روح حضرت خدیجه سلام الله علیها به سوی جهان جاودان پر کشید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخت گریست. چون در حَجُون قبری برایش کندند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود به راه افتاد؛ همچنان که اشک از چشمانش می‌بارید داخل قبر شد و خوابید، افزونتر از قبل گریست و او را دعا کرد. آنگاه برخاست و با دست خویش همسرش را در قبر گذاشت. حضرت فاطمه سلام الله علیها ، یادگار امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها گِرد پدر می گشت، خود را به دامان او می‌آویخت، بهانه‌ی مادر می گرفت و دل دردمند پدر را آتش می‌زد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز سکوت چیزی نداشت؛ جبرییل نازل شد و گفت: ای پیامبر، به فاطمه بگو خدا برای مادرت قصری از لؤلؤ ساخته که درونش آشکار است و در آنجا هیچ سختی و تلخی نیست. به این ترتیب فرشته‌ی الهی پایان رنج‌ها و محنت‌های حضرت خدیجه سلام الله علیها را اعلام کرد. وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها به فاصله‌ی اندکی از رحلت اندوهبار حضرت ابوطالب رخ داد، محققان زمان وفاتش را سه سال قبل از هجرت می‌دانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن سال را «عام الحُزن» ؛ سال غم و اندوه نام نهاد و در واقع یک سال اعلام عزای عمومی نمود.

وصایای حضرت خدیجه سلام الله علیها

حضرت خدیجه سلام الله علیها در آخرین لحظات زندگی وصایائی به شرح زیر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود: ۱. برای او دعای خیر کند. ۲. او را به دست خود در خاک قرار دهد. ۳. پیش از دفن در قبر او وارد شود. ۴. عبائی را که به هنگام نزول وحی بر دوش داشت، روی کفن او قرار دهد. حضرت خدیجه سلام الله علیها که همه اموال منقول و غیرمنقولش را به حبیب خود بخشیده بود، در مقابل فقط یک عبا مطالبه نمود و آن را مستقیماً طلب نکرد، بلکه به وسیله حضرت فاطمه سلام الله علیها تقاضا کرد. آنگاه پیک وحی فرود آمد و کفن بهشتی از سوی پروردگار از بهشت آورد. پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم نخست با عبای خود او را کفن کرد، آنگاه کفن بهشتی را بر روی آن قرار دادند. امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها در آن لحظات آخر در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها ابراز نگرانی کرد، اسماء بنت عمیس تعهد نمود که در شب زفاف او به جای خدیجه سلام الله علیها نقش مادری ایفا کند.

منزل حضرت خدیجه سلام الله علیها

پس از ارتحال خدیجه کبری سلام الله علیها منزل مسکونی‌اش به عنوان یکی از مشاهد مشرفه، همه ساله مورد بازدید هزاران زائر مشتاق، و الهام بخش حجاج بیت الله الحرام بوده است. ابن بطوطه جهانگرد نامی می‌نویسد: از مشاهد مشرفه در نزدیکی

مسجدالحرام «قُبّه الوَحی» است که در سال ۷۲۷ ه.ق بر قبر وی ساختند و آن خانه ام‌المؤمنین خدیجه سلام الله علیها می‌باشد. که در سال ۱۳۴۴ ه.ق به وسیله‌ی فرقه ضالّه وهابیت ویران شد. شیخ انصاری قدس سره در مناسک حج خود می‌نویسد: در مکه معظمه مستحب است که حجاج خانه خدا به منزل حضرت خدیجه سلام الله علیها شرفیاب شوند.

حضرت خدیجه سلام الله علیها در قران

(۱) – سوره فرقان/ ۷۴ وَ الَّذینَ یقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیاتِنا قُرَّةَ أَعْینٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إِماماً و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» و عن الحاکم الحسکانی الحنفی عن ابی سعید فی قوله تعالی «هب لنا» الآیه. قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: قلت: یا جبرئیل من ازواجنا؟ قال: خدیجه. قال: من ذریاتنا؟ قال: فاطمه و «قره عین». قال: الحسن و الحسین. قال: «و اجعلنا للمتقین اماما» قال: علی علیه‌السلام. و ذکره المجلسی رحمه الله علیه و علامه مجلسی قدس سره شبیه همین روایت را ذکر نموده‌اند. و عن الحکیم الفیض الکاشانی رحمه الله علیه و فسر ایضاً بالنبوه و بالقرآن و بخدیجه رضی الله عنها فان جمیع اولاده صلی الله علیه و آله و سلم منها سوی ابراهیم. و فی تفسیر القمی رحمه الله علیه سوره الفرقان (ازواجنا) خدیجه. حاکم حَسْکَانی از قرآن پژوهان نامدار اهل تسنن در این مورد آورده است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر این آیه فرمودند: پس از نازل شدن این آیات از فرشته وحی پرسیدم: منظور از «ازواجنا» کیست؟ پاسخ داد: خدیجه سلام الله علیها است. و «ذریاتنا» فاطمه سلام الله علیها و دو نور دیده‌اش حسن و حسین علیهما السلام هستند و در جمله‌ی «و اجعلنا للمتقین اماما» منظور حضرت علی علیه السلام است. مرحوم «فیض کاشانی» در تاویل همین آیه می نویسد: «منظور از آن، مقام والای رسالت، قرآن شریف و یار و مشاور پر اخلاص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه سلام الله علیها است که سادات از نسل او هستند. و تفسیر قمی نیز بر آن است که منظور از واژه ی «ازواجنا» در آیه ی مورد بحث حضرت خدیجه سلام الله علیها است. (۲) – سوره ضحی/۶ وَ وَجَدَک عائِلًا فَأَغْنی (۶) آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! و عن الصدوق اعلی الله مقامه الشریف عن ابن عباس قال: سالته عن قول الله عزوجل «الم یجدک یتیماً فآوی». قال: انما سمی یتیماً لانه لم یکن له نظیر علی وجه الارض من الاولین و لا من الآخرین. فقال الله عزوجل ممتناً علیه بنعمته «الم یجدک یتیماً فآوی» ای وحیداً لا نظیر لک «فاوی» الیک الناس و عرفهم فضلک حتی عرفوک «و وجدک عائلاً» یقول فقیراً عند قومک یقولون لا مال لک فاغناک الله بمال خدیجه ... مرحوم شیخ صدوق (ره) در تفسیر این آیات می نویسد: بدان دلیل آن حضرت «یتیم» خوانده شد که در کران تا کران هستی بی نظیر و تک نسخه است، چرا که این واژه به مفهوم بی همانند آمده است. به همین جهت خدا با اشاره به نعمتهای گرانش به او می پرسد: آیا خدایت تو را تک نسخه و بی همانند نیافت؛ و پناه داد و برتری و شکوه تو را به مردم شناساند و تو را بلند آوازه ساخت؟! و تو را تنگدست یافت، و به وسیله ی ثروت هنگفت خدیجه سلام الله علیها بی‌نیاز گردانید. بسیاری از مفسران بر آنند که توانگری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اموال حضرت خدیجه سلام الله علیها بوده است و خداوند متعال در این آیه به کنایه از حضرت خدیجه سلام الله علیها و احسان او یاد فرموده است. (۳) – سوره مطففین ۱۸ – ۲۸ کلاَّ إِنَّ کتابَ الْأَبْرارِ لَفی عِلِّیینَ * وَ ما أَدْراک ما عِلِّیون * کتابٌ مَرْقُوم * یشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُون * إِنَّ الْأَبْرارَ لَفی نَعیم * عَلَی الْأَرائِک ینْظُرُونَ * تَعْرِفُ فی وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعیم * یسْقَوْنَ مِنْ رَحیقٍ مَخْتُوم * خِتامُهُ مِسْک وَ فی ذلِک فَلْیتَنافَسِ الْمُتَنافِسُون * وَ مِزاجُهُ مِنْ تَسْنیم * عَیناً یشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُون * چنان نیست که آنها (درباره‌ی معاد) می‌پندارند، بلکه نامه‌ی اعمال نیکان در «علیین» است! * و تو چه می‌دانی «علیین» چیست! * نامه‌ای است رقم‌خورده و سرنوشتی است قطعی * که مقربان شاهد آنند! * مسلّماً نیکان در انواع نعمتند: * بر تختهای زیبای بهشتی تکیه کرده و (به زیباییهای بهشت) می‌نگرند! * در چهره‌هایشان طراوت و نشاط نعمت را می‌بینی و می‌شناسی! * آنها از شراب (طهور) زلال دست‌نخورده و سربسته‌ای سیراب می‌شوند! * مهری که بر آن نهاده شده از مشک است و در این نعمتهای بهشتی راغبان باید

بر یکدیگر پیشی گیرند! * این شراب (طهور) آمیخته با «تسنیم» است، * همان چشمه‌ای که مقرّبان از آن می‌نوشند. و عن المجلسی (ره) عن جابر بن عبدالله رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: قوله عزوجل: «و مزاجه من تسنیم» قال: هو اشرف شراب فی الجنه یشربه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و هم المقربون. السابقون: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابیطالب و الائمه و فاطمه و خدیجه صلوات الله علیهم و ذریتهم الذین اتبعوهم بایمان یتسنم علیهم من اعالی دورهم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر این آیه فرمود: مقربان بارگاه خدا و پیشتازان راه عدالت و آزادی عبارتند از: پیامبر، امیرمومنان، امامان اهل بیت: ، که پس از علی علیه السلام یکی پس از دیگری خواهد آمد، فاطمه سلام الله علیها دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه بنت خویلد. و عن علی بن ابراهیم بن هاشم (ره) «وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ خَدِیجَةُ وَ عَلِی بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ ذُرِّیاتُهُمْ تَلْحَقُ بِهِمْ یقُولُ اللَّهِ عزوجل «أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّیتَهُمْ» وَ الْمُقَرَّبُونَ یشْرَبُونَ مِنْ تَسْنِیم بَحْتاً صِرْفاً وَ سَائِرُ الْمُؤْمِنِینَ مَمْزُوجاً. و عن المجلسی (ره) قوله تعالی «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنینَ» وَ هُمْ عَلِی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیهِ وَ أَصْحَابُهُ «وَ الْمُؤْمِناتِ» وَ هُنَّ خَدِیجَةُ وَ صُوَیحِبَاتُهَا (... ۴) - سوره آل عمران /۴۲ وَ إِذْ قالَتِ الْمَلائِكَةُ یا مَرْیمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلى نِساءِ الْعالَمینَ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. و عن شیخ الطائفه الطوسی اعلی الله مقامه الشریف «وَ اصْطَفاكِ عَلى نِساءِ الْعالَمِین» قال الحسن و ابن جریح علی عالمی زمانها و هو قول ابی جعفر علیه السلام لان فاطمه سیده نساء العالمین. وَ رُوِی عَنِ النَّبِی انه قال: فضلت خدیجه عَلَى نِسَاءِ أُمَّتِی کما فضلت مریم عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِینَ. همانگونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شد، خدیجه سلام الله علیها نیز بر زنان امت من برتری داده شد. و عن الزمخشری و عن النبی کمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الا اربع: آسیه بنت مزاحم امرأه فرعون و مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم... بسیاری از مردم در زندگی به سوی کمال اوج گرفتند، اما از میان زنان این چهار زن نمونه رشد و اوج هستند: آسیه سلام الله علیها ، مریم سلام الله علیها ، خدیجه سلام الله علیها و فاطمه سلام الله علیها بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. و عن البغوی خَیرُ نِسَائِهَا مَرْیم بنت عمران و خَیرُ نِسَائِهَا خَدِیجَةُ رَضِی اللَّهُ عَنْهَا. و عن الآلوسی: عن ابن عباس عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم و قال: اربع نسوه سادات عالمهن مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و افضلهن عالماً فاطمه. آلوسی از ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که حضرت فرمودند: چهار زن سالار زنان روزگار شدند، مریم بنت عمران، آسیه بنت مزاحم، خدیجه و فاطمه و افضل ترین آنها فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد. و عن القرطبی: عن ابن عباس عن النبی صلی الله علیه و آله: أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِیجَةُ بِنْتُ خُوَیلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ مَرْیمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِیةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ. برترین و پر فضیلت‌ترین زنان بهشت عبارتند از: خدیجه، فاطمه بنت محمد، مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم. و عن ابن کثیر عن علی بن ابیطالب علیه السلام قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ: خَیرُ نِسَائِهَا مَرْیمُ وَ خَیرُ نِسَائِهَا خدیجه بنت خویلد. (۵) - سوره فاطر ۱۹ - ۲۲ وَ ما یسْتَوِی الْأَعْمى وَ الْبَصِیرُ * وَ لاَ الظُّلُماتُ وَ لاَ النُّورُ * وَ لاَ الظِّلُّ وَ لاَ الْحَرُورُ * وَ ما یسْتَوِی الْأَحْیاءُ وَ لاَ الْأَمْواتُ إِنَّ اللَّهَ یسْمِعُ مَنْ یشاءُ وَ ما أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِی الْقُبُورِ * و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، * و نه ظلمتها و روشنایی، * و نه سایه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! * و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می‌رساند، و تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند برسانی! ذکر السید المتبحر العلامه هاشم البحرانی (ره) عن طریق المخالفین عن ابن عباس قال: قوله عزوجل: وَ ما یسْتَوِی الْأَعْمى وَ الْبَصِیرُ. قَالَ الْأَعْمَى أَبُو جَهْلٍ وَ الْبَصِیرُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه‌السلام وَ لَا الظُّلُماتُ وَ لَا النُّورُ فَالظُّلُمَاتُ أَبُو جَهْلٍ وَ النُّورُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام. وَ لَا الظِّلُّ وَ لَا الْحَرُورُ فَالظِّلُّ ظِلُّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی الْجَنَّةِ وَ الْحَرُورُ یعْنِی جَهَنَّمَ لِأَبِی جَهْلٍ. ثم جمعهم جمیعاً، فقال: و ما یستوی الاحیاء و لا الاموات فالاحیاء علی و حمزه و جعفر و الحسن و الحسین و فاطمه و خدیجه علیهم‌السلام، و الاموات کفار

مکه. علامه متبحر سید هاشم بحرانی از طریق مخالفین (اهل سنت) درباره قول خداوند «وَ ما یسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصِیرُ» از ابن عباس نقل می کند که گفت: منظور از کور و کوردل ابوجهل می باشد و منظور از صاحب بصیرت و بینش امیرالمومنین علیه السلام می باشد. منظور از ظلمات و تیرگی ها، ابوجهل و منظور از نور و روشنایی امیرالمومنین علیه السلام است. منظور از سایه ی دل انگیز و آرامبخش سایه ای است در بهشت برای امیرمومنان و منظور از گرمای سخت و مرگبار آتش شعله دوزخ، ابوجهل می باشد. سرانجام در مورد آیه «مَا یسْتَوِی الْأَحْیاءُ وَ لَا الْأَمْواتُ» گفت: منظور از زندگانی حقیقی در این آیه حضرت علی، حمزه، جعفر و حسن و حسین، فاطمه، و خدیجه علیهم‌السلام می باشند و منظور از مردگان، کفار مدینه می باشند. (۶) – سوره آل عمران ۳۳/ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِین. خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. عن فرات الکوفی طاب ثراه عن ابی مسلم الخولانی، قال: دخل النبی صلی الله علیه و آله و سلم علی فاطمه الزهرا سلام الله علیها و عایشه و هما تفتخران و قد احمرت وجوههما فسالهما عن خبرهما، فاخبرتاه. فقال النبی صلی الله علیه و آله: یا عایشه او ما علمت ان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران و علیاً و الحسن و الحسین و حمزه و جعفراً و فاطمه و خدیجه علی العالمین. پیامبر فرمود: ای عایشه آیا نمی دانی که خدا آدم، نوح، دودمان ابراهیم و خاندان عمران، وجود امیرالمومنین، حسن و حسین، حمزه، جعفر، خدیجه و فاطمه علیهم‌السلام را بر جهانیان برگزید. (۷) – سوره اعراف/ ۴۶ – ۵۰ وَ بَینَهُما حِجابٌ وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یعْرِفُونَ کلًّا بِسِیماهُمْ وَ نادَوْا أَصْحابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلامٌ عَلَیکمْ لَمْ یدْخُلُوها وَ هُمْ یطْمَعُون * وَ إِذا صُرِفَتْ أَبْصارُهُمْ تِلْقاءَ أَصْحابِ النَّارِ قالُوا رَبَّنا لا تَجْعَلْنا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِین * وَ نادی أَصْحابُ الْأَعْرافِ رِجالاً یعْرِفُونَهُمْ بِسِیماهُمْ قالُوا ما أَغْنی عَنْکمْ جَمْعُکمْ وَ ما کنْتُمْ تَسْتَکبِرُونَ * أَ هؤُلاءِ الَّذِینَ أَقْسَمْتُمْ لا ینالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لا خَوْفٌ عَلَیکمْ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُون * وَ نادی أَصْحابُ النَّارِ أَصْحابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِیضُوا عَلَینا مِنَ الْماءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَکمُ اللَّهُ قالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُما عَلَی الْکافِرِینَ * و در میان آن دو [بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره‌شان می‌شناسند و به بهشتیان صدا می‌زنند که: «درود بر شما باد!» امّا داخل بهشت نمی‌شوند، در حالی که امید آن را دارند. * و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می‌افتد می‌گویند: «پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده!» * و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می‌شناسند، صدا می‌زنند و می‌گویند: «(دیدید که) گردآوری شما (از مال و ثروت و آن و فرزند) و تکبّرهای شما، به حالتان سودی نداد!» * آیا اینها [این واماندگان بر اعراف] همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد؟! (ولی خداوند به خاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان، آنها را بخشید هم اکنون به آنها گفته می‌شود:) داخل بهشت شوید، که نه ترسی دارید و نه غمناک می‌شوید! * و دوزخیان، بهشتیان را صدا می‌زنند که: «(محبّت کنید) و مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما ببخشید!» آنها (در پاسخ) می‌گویند: «خداوند اینها را بر کافران حرام کرده است!» و عن البحرانی ایضاً اعلی الله مقامه الشریف عن بشر بن حبیب عن ابی عبدالله علیه السلام انه سئل عن قول الله عزوجل: «وَ بَینَهُما حِجابٌ وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجال» قال: سور بین الجنه و النار علیه محمد و علی و الحسن و الحسین و فاطمه و خدیجه الکبری علیهم‌السلام، فینادون این محبونا؟ این شیعتنا؟ فیقبلون الیهم فیعرفونهم باسمائهم و اسماء ابائهم، و ذلک قوله عزوجل کلًّا بِسِیماهُم ای باسوائهم فیاخذون بایدیهم فیجوزون بهم الصراط و یدخلون الجنه. از امام صادق علیه السلام در مورد حجاب میان بهشتیان و دوزخیان پرسیده شد، که فرمود: منظور از آن گذرگاه و دژ بلندی است میان بهشت و دوزخ که بر فراز آن، پیامبر، علی، حسن، حسین، فاطمه و خدیجه قرار دارند و از آنجا ندا می دهند که: «دوستداران و شیعیان ما کجا هستند؟ آنگاه دوستان و شیعیان اهل بیت: به سوی آنان می روند و آنان را با نام و نام خانوادگی شان می شناسند و دست آنها را می گیرند و از آن گذرگاه سخت می گذرانند و وارد بهشت می‌نماید.»

فضائل امّ المؤمنین حضرت خدیجه‌ی کبری سلام الله علیها

۱. قبول ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

امیرمؤنان علی ابن ابیطالب علیه السلام ازسن شش سالگی در خانه پیامبر تحت مراقبت امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها بودند و لذا حضرت خدیجه سلام الله علیها نسبت به آن حضرت حق پرورش و مادری داشت، هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقام منیع ولایت (۳۷) را به حضرت خدیجه سلام الله علیها بیان نمودند و از او درخواست کردند که به ولایت امیرمؤنان معتقد شود، حضرت خدیجه سلام الله علیها با صراحت تمام عرضه داشتند: من به ولایت علی علیه السلام ایمان آوردم و بیعت نمودم. مهرورزی حضرت خدیجه سلام الله علیها به حضرت علی علیه السلام در سطحی بود که در وصف امیرمؤنان علیه السلام آورده‌اند: او برادر پیامبر، عزیزترین مردمان در نزد او و نور چشم خدیجه‌ی کبری سلام الله علیها است.

۲. بصیرت ژرف

از بالاترین فضائل خدیجه‌ی کبری سلام الله علیها این است که از اندیشه‌ی بلند و فکر عمیق و بصیرت ژرف برخوردار بود؛ مخصوصاً عقل عملی او در اوج خود قرار داشت. این امر را می‌توان از انتخاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان شوهر آینده و شایسته خود از بین آن همه خواستگاران تاجر فهمید. او در چهره و رفتار محمد صلی الله علیه و آله و سلم آینده‌ی درخشان و ممتاز او را می‌دید، به همین جهت راز پیشنهاد ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله و سلم را (قبل از بعثت) چنین بیان می‌کند: «یابْنَ عَمّ! اِنّی قَدْ رَغِبْتُ فِیکَ لِقِرابَتِکَ مِنّی وَ شَرَفِکَ فی قَوْمِکَ وَ اَمانَتِکَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلْقِکَ وَ صِدْقِ حَدِیثِکَ؛ (۳۸) ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندی‌ات با من و شرف و امانتداری‌ات در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیکو، راستگویی‌ات، به تو تمایل پیدا کردم.» جملات فوق به خوبی نشان می‌دهد که محبت و ارادت این بانو به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر اساس عشق مجازی و محبت شهوانی نبوده، بلکه بر اثر معرفت و شناخت عمیقی بوده است که از شخصیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم داشت. اما افرادی که چنین بصیرتی نداشتند، از جمله گروهی از زنان قریش سخت حضرت خدیجه سلام الله علیها را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند، تا آنجا که گفتند: «او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که جوانی فقیر است تن به ازدواج داد. چه ننگ بزرگی.» حضرت خدیجه سلام الله علیها که انتخابش از سر شناخت و معرفت بود، محکم و قرص بر انتخاب خویش پای فشرد و در جواب سخنان ناشی از جهالت و بی‌خبری آنها گفت: «ای زنان! شنیده‌ام شوهران شما [و خودتان] در مورد ازدواج من با محمد خُرده گرفته‌اید و عیبجویی می‌کنید، من از خود شما می‌پرسم آیا در میان شما، فردی مانند محمد وجود دارد؟ آیا در شام و مکه و اطراف آن شخصیتی به سان ایشان در فضائل و اخلاق نیک سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگیها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است.» (۳۹) گذشت زمان، پیروزیهای پی در پی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، گسترش اسلام و فرزندانی که از امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها به یادگار ماند، از جمله فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها که یازده امام معصوم از نسل اوست، بر انتخاب زیبای حضرت خدیجه سلام الله علیها و بصیرت ژرف او تحسین گفت؛ هر چند خود شاهد ثمرات انتخاب شایسته‌ی خویش نبود.

۳. ایمان و اسلام محکم و پایدار

همان بصیرت ژرف خدیجه سلام الله علیها که باعث انتخاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای همسری آینده‌ی او شد، عامل ایمان و اسلام او نیز گشت و باعث شد که لقب اول زن مسلمان را به خود اختصاص دهد. «ابن عبدالبر» به سند خود از پدرش «ابی‌رافع» نقل می‌کند که پیامبر خدا در روز دوشنبه (مبعث) نماز گذارد و حضرت خدیجه سلام الله علیها در (ساعات) آخر همان

روز نماز خواند. (۴۰) و علی علیه السلام نیز بر ایمان و اسلام امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها این گونه صحه گذاشت که ...: «لَمْ یجْمَعْ بَیتٌ واحِدٌ یؤْمَئِذٍ فی اْلاِسْلامِ غَیرَ رسول اللّه وَ خَدیجَهْ وَ اَنَا ثالِثُهُمْ. اَری نُورَ الْوَحْی وَ الرِّسالَهْ وَ اَشُمُّ ریحَ النُّبُوَّهْ؛... (۴۱) در آن زمان، اسلام درخانه‌ای نیامده بود مگر خانه‌ی رسول خدا و خدیجه، و من سوم ایشان بودم.. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.» خدیجه سلام الله علیها تا آخرین لحظه بر آن ایمان پای فشرد و در راه اسلام فداکاری و گذشت نمود و یک لحظه از رهبر اسلام و حمایت او غافل نگشت.

۴. از برترین بانوان دو سرا

برترین زنان جهان هستی را چهار زن تشکیل می‌دهند؛ چنانکه ابن اثیر از اَنَس بن مالک از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمودند: «خَیرُ نِساءِ الْعالَمینَ مریمُ، آسِیهْ، خدیجهْ وَ فاطِمهْ؛ (۴۲) برترین زنان عالم مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه سلام الله علیها هستند.» همین‌ها که کوله‌بار کمال را در دنیا بستند، در بهشت نیز در صدر قرار دارند و از جمله‌ی آنها خدیجه‌ی کبری سلام الله علیها می‌باشد. «عکرمه» از «ابن عباس» نقل می کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اَفْضَلُ نِساءِ اَهْلِ الْجَنَّهْ خَدیجهْ بِنْتُ خُوَیلِد وَ فاطِمهْ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْیمُ ابْنَهُْ عِمْرَان َ وَ آسِیهْ بِنْتُ مُزاحِمِ اِمْرَأهْ فِرْعَوْنَ؛ (۴۳) بهترین زنان بهشت ایناننـد: خدیجه دختر خُوَیلِد، فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.» ۵. برترین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همسران متعددی داشتند، ولی از نظر درجات یکسان نبودند. یکی از آنها در حال حیات و بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سخت حضرت را اذیت و آزار داد و بر خلاف دستورات او حرکت کرد، که همین امر باعث تنزل مقام و منزلت او گردید، ولی برخی از آنها مانند خدیجه‌ی کبری با تمام وجود و هستی خویش در راه اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و جلب رضایت او کوشید و در نتیجه در بین تمام همسران رتبه ممتاز را کسب نمود. مرحوم شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: «تَزَوَّجَ رسول اللّه بِخَمْسَ عَشَرَ اِمْرَأَهْ اَفْضَلُهُنَّ خَدیجَهْ بِنْتُ خُوَیلِد؛ (۴۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با پانزده زن ازدواج کرد که برترین آنان خدیجه دختر خُوَیلِد بود.»

۶. مادر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

طبق نص قرآن کریم همسران پیامبر مادران روحانی مؤمنان و «امالمؤمنین» هستند: «وَ اَزْواجُه اُمَّهاتُهُمْ» ؛ (۴۵) «همسران او (پیامبر) مادران مؤمنین هستند» و حضرت خدیجه سلام الله علیها از برترین مصداق‌های آیه به شمار می‌رود و این سعادت در بین همه‌ی زنان حضرت، نصیب خدیجه سلام الله علیها گشت که یازده امام از نسل او از طریق فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها پدید آید. راستی چنین مقامی نیاز به لیاقت و استعداد بالا دارد. از بین همه فرزندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها از مقام ممتازی برخوردار است؛ چرا که هم دارای عصمت است (۴۶) وهم امامت و وصایت از طریق نسل او استمرار یافت.

۷. سخاوت و انفاق بی‌بدیل

ثروت حضرت خدیجه سلام الله علیها در آن دوران زبانزد خاص و عام بود. ثروت این بانوی کاردان و عاقله به قدری زیاد بود که مالداران درجه یک قریش چون «ابوجهل» و «عُقْبَهْ بن ابی‌مُعَیط» در نزد او ناچیز به شمار می‌رفتند. مورخان ثروت خدیجه سلام الله علیها را بدین ترتیب شمرده‌اند: ۱. هزاران شتر که اموال تجارتی او را حمل می‌کردند. ۲. قبه‌ای از حریر سبز با طنابهای ابریشمی بر بام خانه‌اش افراشته بود. این امر نمایانگر ثروت فراوان او بود و فقرا نیز از روی این علامت برای استعانت و کمک مراجعه

می کردند. ۳. چهارصد غلام و کنیز که خدمات ارجاعی او را انجام می‌دادند. (۴۷) پس از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، حضرت خدیجه سلام الله علیها تمامی این ثروت را در اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد و عرض کرد: «اَلْبیتُ بَیتُکَ وَ اَنَا اَمَتُکَ؛ خانه، خانه‌ی تو و من هم کنیز تو هستم.» (۴۸) وَرَقَهٔ بن نَوْفَل، عموی امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها ، بعد از این قضیه کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت: «ای عرب! بدانید که خدیجه شما را شاهد می گیرد که خود همه‌ی ثروتش را از غلامان و کنیزان، املاک، دامها، مهریه و هدایایش را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم بخشیده است و همه‌ی آنها هدیه‌ای است که محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن را پذیرفته است و این کار حضرت خدیجه سلام الله علیها به خاطر علاقه و محبت او به محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید.» (۴۹) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز از این اموال برای پیشبرد اسلام و اهداف آن نهایت استفاده را برد. به همین جهت خود آن حضرت فرمود: «هیچ ثروتی، هرگز مانند ثروت خدیجه به من سود نرساند.» (۵۰)

۸. صبر و بردباری بی‌مانند

فردی مانند حضرت خدیجه سلام الله علیها که در درون ثروت فراوان بزرگ شده طبعا باید نازپرورده و کم تحمل باشد؛ اما حضرت خدیجه سلام الله علیها با برخورداری از نعمتها بعد از ازدواج و ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خود را برای تحمل همه‌ی سختی‌ها آماده کرد، تحمل فشارهای مختلف مشرکان مکه، سرزنشهای بستگان، محاصره‌ی اقتصادی در شِعب ابیطالب (۵۱) و ... مخصوصاً محاصره‌ی اقتصادی سخت او را اذیت و آزار داد. بنت الشاطی در این زمینه می گوید: «حضرت خدیجه سلام الله علیها در سنی نبود که تحمل آن همه رنج برایش آسان باشد و از کسانی نبود که در جریان زندگی با تنگی معیشت خو گرفته باشد، اما در عین حال و با وجود کهولت سن، سختیهایی را که در اثر محاصره در شعب وارد می‌شد تا سرحد مرگ تحمل کرد.» (۵۲)

۹. حامی رسالت و محب امامت

چهار زن در این دنیا به حد کمال رسیده‌اند و به عنوان زنان نمونه و شایسته‌ی هستی شناخته شدند: آسیه، مریم، خدیجه، فاطمه سلام الله علیها. از مهمترین اشتراکات این چهار زن، حمایت و اطاعت از رهبری و پیشوایان زمان خود بوده است. آسیه تا پای جان از رهبری و رسالت موسی علیه السلام حمایت نمود، مریم با تحمل تهمت و رنجها پایه‌های رسالت عیسی علیه السلام را محکم نمود، فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها تا مرز شهادت از امام خویش علی بن ابیطالب علیه السلام پشتیبانی و دفاع نمود و سرانجام شهید راه امامت و ولایت گشت. و اما امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها از حامیان راستین رسالت بود. او نیز جان و مال خویش را تقدیم رسالت نمود. او هم رسالت‌مدار بود و هم امامت محور. هم حامی و همگام رسالت بود و هم محب و طرفدار امامت. در مورد حمایت از رسالت در بخش‌های پیشین اشاراتی به میان آمد، در این بخش فقط به یک نکته اکتفا می‌شود: حضرت آدم در بهشت نگاهی به زندگی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه سلام الله علیها انداخت و گفت: «یکی از برتری‌های محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر من این است که همسر او برای اجرای اوامر خداوند با شوهرش همکاری و مساعدت نمود و حال آن که همسر من، مرا در نافرمانی خداوند تشویق نمود.» (۵۳) اما در مورد محبت و ارادت حضرت خدیجه سلام الله علیها نسبت به حضرت علی علیه السلام ، مرحوم مجلسی (ره) چنین نقل می کند: «پس از ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه سلام الله علیها [و به دنیا آمدن علی علیه السلام]، حضرت خدیجه سلام الله علیها را از دوستی و محبت علی علیه السلام خبر داد و حضرت خدیجه سلام الله علیها پس از آن [به علی علیه السلام محبت فراوان داشت] و برای آن حضرت به وسیله‌ی

خدمتکارانش لباس، زیورآلات، کنیز و ملزومات می‌فرستاد؛ به گونه‌ای که مردم می گفتند: علی برادر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و محبوبترین افراد نزد اوست و نور چشم خدیجه به حساب می‌آید ... الطاف و محبتهای حضرت خدیجه سلام الله علیها صبح و شام به خانه‌ی حضرت ابوطالب علیه السلام روان بود.» (۵۴) هنگام ولادت حضرت فاطمه سلام الله علیها ، امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها بیشتر با ولایت آشنا گشت؛ چرا که دخترش حضرت زهرا سلام الله علیها هنگام ولادت، بعد از شهادت به توحید و رسالت، این گونه شهادت داد: «وَ اَنَّ بَعْلِی سیدُ اْلاَوْصِیاء و وُلْدِی سادَهُ الْاَسْباط» (۵۵) و به راستی همسرم سید اوصیا و فرزندانم سید و سالار نوادگان رسول خدا هستند.» علاوه بر این حضرت خدیجه سلام الله علیها ولایت حضرت علی و فرزندان او: را صریحاً پذیرفته بود، با آنکه در آن زمان امامت حضرت هنوز به فعلیت نرسیده بود. علامه مجلسی قدس سره می گوید: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت خدیجه سلام الله علیها را نزد خود خواست و فرمود: این جبرئیل است و می گوید: برای اسلام شروطی است: اول: اقرار به یگانگی خداوند. دوم: اقرار به رسالت پیامبران. سوم: اقرار به معاد و عمل به اصول و مهمات شرع. چهارم: اطاعت اولی الامر [یعنی علی] و ائمه‌ی طاهرین از فرزندان او و برائت از دشمنان آنها.» حضرت خدیجه سلام الله علیها هم به آنها اقرار نمود و آنها را تصدیق کرد. (۵۶) در خصوص امامت امیرمؤمنان، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت خدیجه سلام الله علیها فرمود: «هُوَ مَولاکَ وَ مَوْلَی الْمُؤْمِنینَ وَ اِمامُهُمْ بَعْدی؛ علی مولای تو و مولای تمام مؤمنان و امام آنها پس از من است.» آنگاه دست خود را بالای دست امیرمؤمنان گذاشت و امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها دست خود را بالای دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد و این گونه بیعت ابدی ولایتمداری را انجام داد. (۵۷)

۱۰. تشریف فرمایی حضرت خدیجه سلام الله علیها به محشر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تشریفات ورود حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها را به صحرای محشر چنین توصیف می‌نماید: هفتاد هزار فرشته در حالی که پرچم‌هایی منقش و مزین با جمله «الله اکبر» را در دست دارند به استقبال او می‌شتابند.

۱۱. خدیجه سلام الله علیها در احادیث معراج نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

ابوسعید خدری می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی که در شب معراج، جبرئیل مرا به سوی آسمانها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه سلام الله علیها برسانی» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه سلام الله علیها ابلاغ کرد، خدیجه گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَیهِ السَّلَامُ، وَ عَلَی جَبْرَئِیلَ السَّلَامُ؛ همانا ذات پاک خدا سلام است و از او است سلام و سلام به سوی او باز گردد و بر جبرئیل سلام باد.» (۵۸)

۱۲. خدیجه سلام الله علیها در گفتار انبیای الهی، ائمه: و اصحاب صدر اسلام:

ابن سعد مورخ عرب از قول آدم علیه السلام چنین می گوید: «آدم در بهشت به حوا گفت یکی از مزایایی که خدا نصیب رسول الله کرد این بود که جفتی چون حضرت خدیجه سلام الله علیها نصیب او نمود و حضرت خدیجه سلام الله علیها پیوسته برای انجام رسانیدن مشیت خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم کمک می کرد در صورتی که حوا سبب گردید که من در بهشت بر خلاف اراده‌ی خداوند رفتار نمایم.» (۵۹) امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در ضمن خطبه‌ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می‌دانید که جده من خدیجه سلام الله علیها دختر خُوَیلِد است؟» (۶۰) و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می‌دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه هستم؟» (۶۱) امام سجاد علیه السلام در مجلس

شاهانه‌ی یزید در دمشق در خطبه‌ی معروف خود، این چنین خود را معرفی می‌کند: «أَنَا ابْنُ خَدِیجَةَ الْکُبْرَی؛ من پسر خدیجه، بانوی بزرگ اسلام هستم.» (۶۲) حضرت زینب سلام الله علیها در کربلا در روز یازدهم محرم سال ۶۱ ه.ق هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره‌ی شهیدان آمد و مطالبی جانسوز گفت، از جمله در آنجا پس از ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام از حضرت خدیجه سلام الله علیها یاد کرد و فرمود: «بِأَبِی خَدِیجَةُ الْکُبْرَی: پدرم به فدای خدیجه بانوی بزرگ باد.» (۶۳) زید بن علی بن الحسین علیهم لسلام که انقلاب و شورش عظیمی بر ضد حکومت طاغوتی هشام بن عبدالملک نمود و سرانجام به شهادت رسید، در سخنی در برابر دشمن، چنین احتجاج می‌کند: «وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَوَدَّةِ أَبُونَا رَسُولُ اللَّهِ وَ جَدَّتُنَا خَدِیجَةُ؛ ... و ما سزاوارتر به مودت و دوستی هستیم، چرا که پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جده‌ی ما خدیجه است.» (۶۴) عبدالله ابن زبیر لعنهٔ الله علیه با آنکه با خاندان رسالت دشمنی کرد در گفتگویی با ابن عباس، به حضرت خدیجه سلام الله علیها به عنوان عمه‌اش افتخار نموده و می‌گوید: «أ لَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ عمتی خَدِیجَهٔ سَیدَهٔ نِسَاءِ الْعَالِمِینَ؛ آیا نمی‌دانی که عمه‌ام حضرت خدیجه سلام الله علیها سرور بانوان جهان است؟» (۶۵) «در عصر امامت امام حسن علیه السلام پس از آنکه معاویه بر اوضاع مسلط شد، به کوفه آمد و چند روز در کوفه ماند و از مردم برای خود بیعت گرفت، پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند و در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیرمومنان علی علیه السلام جسارت کرد و ناسزا گفت، با اینکه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در مجلس حاضر بودند، امام حسین علیه السلام برخاست تا پاسخ معاویه را بدهد، امام حسن علیه السلام دست او را گرفت و نشانید و خود برخاست و فرمود: «ای آنکه علی علیه السلام را به بدی یاد کردی؟ منم حسن و پدرم علی علیه السلام است و تویی معاویه و پدرت صَخر می‌باشد، مادر من فاطمه علیها سلام الله و مادر تو هند جگرخوار است، جد من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است جد تو حرب است، «وَ جَدَّتِی خَدِیجَةُ وَ جَدَّتُکَ فَتِیلَةُ؛ ... جده‌ی من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام) ولی جَدِّه‌ی تو فتیله (زن زشتکار جاهلیت) است. خداوند لعنت کند از ما، آن کس که نامش پلید و حَسَب و نسبش پست و سابقه‌اش بد و دارای کفر و نفاق است.» (۶۶)

حضرت خدیجه سلام الله علیها در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که فرمودند: «خَیرُ نِسَائِهَا خَدِیجَةُ وَ خَیرُ نِسَائِهَا مَرْیم ابْنَةُ عِمْرَان» «بهترین زنان دنیا خدیجه سلام الله علیها و مریم دختر عمران هستند» (۶۷) «خَیرُ نِسَاءِ الْعَالَمِین مَرْیمُ بِنْتُ عِمْرَانَ و آسِیةُ بِنْتُ مُزَاحِم و خَدِیجَةُ بِنْتُ خُوَیلِد وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ(صلی الله علیه و آله و سلم)» بهترین زنان جهانیان عبارتند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خُوَیلِد و فاطمه سلام الله علیها دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم (۶۸) ابن عباس می‌گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چهار خط کشید. آنگاه پرسید: آیا می‌دانید این خطها چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش داناتر است. فرمود: «خیر نساء الجنهٔ مریم بنت عمران و خدیجهٔ بنت خُوَیلِد و فاطمهٔ بنت محمد و آسیهٔ بنت مزاحم امراهٔ فرعون: بهترین زنان بهشت، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خُوَیلِد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون است» (۶۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عایشه که در حال برتری جویی نسبت به حضرت فاطمه سلام الله علیها بود فرمودند: «أ وَ مَا عَلِمْت اِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْرَاهِیمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِیاً وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَینَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَراً وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِیجَةَ عَلَی الْعالَمِین؟! آیا نمی‌دانی که خداوند، آدم، نوح، آل ابراهیم، آل عمران، علی علیه السلام ، حسن علیه السلام ، حسین علیه السلام ، حمزه، جعفر، فاطمه سلام الله علیها و خدیجه سلام الله علیها را بر جهانیان برگزید؟!». (۷۰) پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای رسول خدا! این خدیجه سلام الله علیها است، هر گاه نزد تو آمد، بر او از سوی پروردگارش و از طرف من، سلام برسان: «وَ بَشِّرْهَا بِبَیتٍ فِی الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِیهِ وَ لَا نَصَبَ» ، «و او را به خانه‌ای از یک

قطعه (زبرجد) در بهشت که در آن رنج و ناآرامی نیست مژده بده» (۷۱) «أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سید السادات عالمهن مَرْیمُ بِنْتُ عِمْرَان و آسِیةُ بِنْتُ مُزَاحِم و خَدِیجَةُ بِنْتُ خُوَیلِد و فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ و أَفْضَلُهُن عالما فَاطِمَةُ؛ چهار زن سرور زنان جهان خود می‌باشند که عبارتند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، حضرت خدیجه سلام الله علیها دختر خُوَیلِد و فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و بهترین آنها در جهان فاطمه سلام الله علیها است» (۷۲) «حَسْبُکَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مَرْیمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِیجَةُ بِنْتُ خُوَیلِد وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ محمد صلی الله علیه و آله و سلم وَ آسِیةُ بِنْتُ مُزَاحِم. در میان بانوان دو جهان، در فضیلت و کمال کافی است: مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه (علیهن السلام)» (۷۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر (آیه‌ی ۲۲ مطففین) «عَیناً یشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ، همان چشمه‌ی بهشتی که مقربان از آن می‌نوشند.» فرمود: «الْمُقَرَّبُونَ السَّابِقُونَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ عَلِی بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةُ وَ فَاطِمَةُ وَ خَدِیجَةُ» (۷۴) روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: «تو همسری مانند فاطمه سلام الله علیها داری که من چنان همسری ندارم، تو مادرزنی مثل خدیجه سلام الله علیها داری که من چنین مادرزنی ندارم.» (۷۵) روایت شده است: روزی جبرئیل به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و جویای خدیجه سلام الله علیها شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را نیافت، جبرئیل گفت: «وقتی که او آمد، به او خبر برده که پروردگارش به او سلام می‌رساند.» (۷۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در چهل شبانه روز اعتزال از خدیجه سلام الله علیها توسط عمار یاسر به حضرت خدیجه سلام الله علیها چنین پیام داد: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَیبَاهِی بِکِ کِرَامَ مَلَائِکَتِهِ کُلَّ یوْمٍ مِرَاراً؛ همانا خداوند متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان بزرگش افتخار می‌کند» (۷۷) روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد در حضور مردم در شأن حسن و حسین علیهما السلام مطالبی فرمود، از جمله چنین فرمودند: «یا أَیهَا النَّاسُ أَلَا أُخْبِرُکُمْ بِخَیرِ النَّاسِ جَدّاً وَ جَدَّةً؛ ای مردم! آیا شما را خبر ندهم به بهترین انسانها از جهت جَد و جَدِّه؟» حاضران عرض کردند: «آری، خبر بده!» فرمود: «الْحَسَنُ وَ الْحُسَینُ جَدُّهُمَا رَسُولُ اللَّهِ وَ جَدَّتُهُمَا خَدِیجَةُ بِنْتُ خُوَیلِد؛ آنها حسن و حسین علیهما السلام هستند که جدشان رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و جده‌ی آنها خدیجه سلام الله علیها دختر خُوَیلِد می‌باشد» (۷۸) در آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بستر رحلت قرار گرفت، حضرت زهرا سلام الله علیها بسیار پریشان و گریان بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا سلام الله علیها را به وجود پر برکت مولا علی علیه السلام دلداری داد و در فرازی ضمن یاد از خدیجه سلام الله علیها فرمود: «دل خوش دار که: إِنَّ عَلِیاً أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ وَ خَدِیجَةُ أُمُّکِ؛ همانا علی علیه السلام نخستین شخص از این امت است که به ذات پاک خدا و رسولش ایمان آورد، او و خدیجه سلام الله علیها مادر تو اولین افرادی هستند که به اسلام پیوستند.» (۷۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از وفات خدیجه‌ی کبری سلام الله علیها همواره از خاطرات شیرین و ایثار آن بانوی گرامی به نیکی یاد می‌کرد و هرگاه به یاد او می‌افتاد، اشک فراق بر دیدگانش جاری می‌شد از جمله: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نزد چند نفر از همسران خود بود، ناگاه سخنی از حضرت خدیجه سلام الله علیها به میان آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنچنان آشفته و پر احساس شد که قطره‌های اشک از چشمانش سرازیر گشت. عایشه به آن حضرت گفت: «چرا گریه می‌کنی؟ آیا برای یک پیرزن گندمگون از فرزندان اَسَد، باید گریه کرد؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به او فرمود: «صَدَّقَتْنِی إِذْ کَذَّبْتُمْ وَ آمَنَتْ بِی إِذْ کَفَرْتُمْ وَ وَلَدَتْ لِی إِذْ عَقَمْتُم؛ او هنگامی که شما مرا تکذیب می‌کردید، تصدیق کرد و هنگامی که کافر بودید، او به من ایمان آورد؛ و برای من فرزندانی آورد در حالی که شما نازا هستید.» (۸۰) نیز روایت شده: روزی پیرزنی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد، آن حضرت او را مورد لطف سرشار قرار داد، وقتی آن پیرزن رفت، عایشه علت آن همه مهربانی به پیرزن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید، او در جواب فرمود: «إِنَّهَا کَانَتْ تَأْتِینَا فِی زَمَنِ خَدِیجَةَ وَ إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِیمَان؛ این پیرزن در عصر زندگی خدیجه سلام الله علیها ، به خانه‌ی ما می‌آمد و از کمکها و الطاف سرشار خدیجه سلام الله علیها برخوردار بود، همانا نیک نگهداری عهد و سابقه، از ایمان است.» (۸۱) و مطابق

روایت دیگر عایشه گفت: «هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گوسفندی ذبح می کرد، می‌فرمود: از گوشتش برای دوستان خدیجه سلام الله علیها بفرستید، یک روز در این باره با آن حضرت سخن گفتم، فرمود: «إنّی لأحبّ حَبیبَها من دوست خدیجه سلام الله علیها را دوست دارم.» (۸۲)

زیارت نامه حضرت خدیجه سلام الله علیها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ اَلسَّلامُ عَلَیک یا زَوْجَهَ رَسُولِ اللَّهِ سَیدِ الْمُرْسَلینَ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا زَوْجَهَ خاتَمِ النَّبِیینَ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا اُمَّ فاطِمَهَ الزَّهْراءِ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا اُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَینِ سَیدَی شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ اَجْمَعینَ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا اُمَّ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرینَ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا اُمَّ الْمُؤْمِنینَ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا اُمَّ الْمُؤْمِناتِ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا خالِصَهَ الْمُخْلِصاتِ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا سَیدَهَ الْحَرَمِ وَ مَلائِکهَ الْبَطْحآءِ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا اَوَّلَ مَنْ صَدَّقَتْ بِرَسُولِ اللَّهِ مِنَ النِّساءِ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا مَنْ وَفَتْ بِالْعُبُودِیهِ حَقَّ الْوَفآءِ و اَسْلَمَتْ نَفْسَاً وَ اَنْفَقْتَ مالَها لِسَیدِ الْأَنْبِیآءِ اَلسَّلامُ عَلَیک یا قَرینَهَ حَبیبِ اِلهِ السَّمآءِ، اَلْمُزَوَّجَهِ بِخُلاصَهِ الْأَصْفِیآءِ، یا ابْنَهَ اِبْراهیمَ الْخَلیلِ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا مَنْ سَلَّمَ عَلَیها جَبْرآئیلُ و بَلَّغَ اِلَیهَا السَّلامُ مِنَ اللَّهِ الْجَلیلِ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا حافِظَهَ دینِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا ناصِرَهَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیک یا مَنْ تَوَلّی دَفْنَها رَسُولُ اللَّهِ و اسْتَوْدَعَها اِلی رَحْمَهِ اللَّه، اَشْهَدُ اَنَّک حَبیبَهُ اللَّهِ وَ خِیرَهُ اُمَّتِهِ، اِنَّ اللَّهَ جَعَلَک فی مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ فی قَصْرٍ مِنَ الْیاقُوتِ وَ الْعِقْبانِ، فی اَعْلی مَنازِلِ الْجَنانِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیک وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ.

اشعار در مدح حضرت خدیجه سلام الله علیها

مدح حضرت خدیجه سلام الله علیها

شاعر: میثم (غلامرضا سازگار) ای داده به عصمت شرف و نام خدیجه ای بسته به طوفت فلک اِحرام خدیجه ای همسر پیغمبر اسلام خدیجه ای عصمت حق فاطمه را مام خدیجه ای ختم رسل را ز شرف نور دو دیده پیش از شب بعثت به مُحمّد گرویده ای بر تو سلام آمده از داور هستی بگذشته در آئین نبی از سر هستی دل داده و دل برده ز پیغمبر هستی زیبد که بخوانند ترا مادر هستی الحق که خدا دولت حق را به تو داده اُمّ النجباء فاطمه زهرا به تو داده اسلام ز اموال تو سرمایه گرفته دین در کنف عزّت تو سایه گرفته توحید ز اخلاص تو پیرایه گرفته اخلاص ز حسن عملت پایه گرفته همت سر تسلیم به دیوار تو سوده پیش از تو زنی لب به شهادت نگشوده تو در دل سختی به پیمبر گرویدی هر بار بلا را به سر دوش کشیدی بر یاری اسلام بهر سوی دویدی بس زخم زبانها که ز کفّار شنیدی ای قامت مردان جهان خم به سجودت ای تکیه که ختم رسل نخل وجودت ای مکه ز خاک قدمت خلد مخلد از عصمت معبود و امید دل احمد اسلام به پا خاست و گردید مؤید از ثروت تو، تیغ علی، خُلق مُحمّد تا حشر خلایق که خدا را بپرستند مرهون فداکاری و ایثار تو هستند آن روز که پیغمبر اسلام شبان بود در سینه او سر خداوند نهان بود پیش از همه پیغمبریش بر تو عیان بود ایمان تو پروانه‌ی آن شمع جهان بود حق بر همه زنهای جهان سروریت داد با خواجه عالم شرف همسریت داد زین واقعه زنهای قریش از تو بریدند یکباره ز بیت الشرفت پای کشیدند با چشم حقارت به مقامت نگریدند قدر و شرف و عزّت و جاه تو ندیدند چشم و دلشان بود به سوی زر و سیمی گفتند خدیجه شده مشتاق یتیمی تنها نشدی همسر و دلدار مُحمّد در سخت‌ترین روز شدی یار مُحمّد در شدت غم گشته‌ای غمخوار مُحمّد پیوسته دلت بود گرفتار مُحمّد در پیش رویش گشت وجودت سپر سنگ باشد که کنی در ره او چهره ز خون رنگ آن روز که بر دخت نبی حامله بودی همصحبت زهرات به هر غائله بودی از غربت و از درد درونت گله بودی بی همدم و بی یاور و بی قابله بودی از درد به بالش گل رخسار بهشتی گشتند ترا قابله زنهای بهشتی برخاست فروغ ازلی از در و بامت از چار طرف بوی خوش آمد به مشامت زنهای بهشتی همه دادند سلامت پروانه به دار الشرف

عرش مقامت گفتند مخور غم که چو ما خادمه داری کی گفته تو تنهایی، تو فاطمه داری این است که شیرینی جان در بدن توست این جان جهان است و هماغوش تن توست این یار بهر خلوت و هر انجمن توست این است که در حاملگی همسخن توست کی مثل تو از هستی خود چشم بپوشد؟ تا فاطمه از سینه‌ی او شیر بنوشد آن روز که افتاد خزان در چمن تو پر زد به جنان طوطی روح از بدن تو تا بوی گل احمدی آید ز تن تو شد جامه‌ی پیغمبر اکرم کفن تو با مرگ تو آغاز شد ای عصمت سرمد بی مادری فاطمه، تنهایی احمد بردار سر از خاک و ببین همسر خود را بنگر هدف سنگ سر شوهر خود را باز آ و ببین اشک فشان دختر خود را بر گیر به بر دختر بی مادر خود را بی‌روی تو گردون به نظر تیره چو دود است برخیز که بی مادری فاطمه زود است برخیز که بر ختم رسل فخر زمانه خانه شده غمخانه‌ای ای بانوی خانه بر گیسوی زهرا که زند بعد تو شانه؟ بی تو شده از هر مژه‌اش سیل روانه پیغمبر اکرم ز غمت زار بگرید خون است دل فاطمه مگذار بگرید ای جامه‌ی احمد کفنت بر بدن پاک کن بهر حسینت به جنان جامه ز غم چاک تو بر سر دست نبی و او به سر خاک سر تا به قدم چون گل پرپر شده صد چاک «میثم» ز غم نور دو عین تو بگرید تا صبح قیامت به حسین تو بگرید

با نفست عطر احمدی

شاعر: «میثم» غلامرضا سازگار ای پیشتر ز بعثت احمد مُحمّدی ای بارها سلام ترا بر رسول خود ابلاغ کرده ذات خداوند سرمدی چون شمع در فروغ نبوّت گداختی پیش از نزول وحی نبی را شناختی ای بر تو لحظه لحظه سلام پیمبران خاک در تو سجده گه خیل سروران پیش از پیمبری پیمبر به روی او چشم تو دید آنچه ندیدند دیگران در قلب تو کتاب کمالش نوشته شد سر خط مادریت به آلش نوشته شد بی دامن تو ختم رسل کوثری نداشت نخل بلند آرزوی او بری نداشت حتی علی که جان عزیز پیمبر است در ملک بی حدود خدا همسری نداشت ای رسول خدا در نزول وحی ای دامن همدم تو مرکز نور بتول وحی تو وصل بر رسول و ز هستی جدا شدی تو آفتاب بیت سراج الهدی شدی نیزار وحی مثل علی شیرمرد داشت ای شیرزن تو تالی شیر خدا شدی دارایی تو هدیه به پروردگار شد در جنگ اقتصاد نبی ذوالفقار شد تو دیگر و زنان جهان جمله دیگرند سادات عالمت پسرانند و دخترند دارایی تو، تیغ علی، خُلق مصطفی در پیشبرد فتح نبوّت برابرند دامان پاک تو ثمرش یازده ولی است این رتبه‌ات بس است که داماد تو علیست در دور بت پرستی و تاریکی جهان بودت رخ نیاز به درگاه بی‌نیاز پیش از نزول وحی الهی تو و علی خواندید با رسول خدا در حرم نماز چون تو که با رسول خدا همسری کند دُرّ یتیم آمنه را مادری کند ای تکیه‌گاه خواجه‌ی لولاک شانه‌ات ای لحظه لحظه ذکر مُحمّد ترانه‌ات بر یازده ستاره‌ی توحید، آسمان روی منیر فاطمه خورشید خانه‌ات در بیت آفتاب مه تام کیست؟ [غیر از] تو اول زن مجاهد اسلام کیست؟ پیغمبر خدا به تو عرض ارادتش زهراست هم‌کلام تو پیش از ولادتش گویی که با تو گرم سخن بود فاطمه حتی به لحظه‌های غروب شهادتش با آنکه سالها ز جهان چشم بسته‌ای انگار دور بستر زهرا نشسته‌ای ای پاک ام پدر، ام مؤمنین ای مادر بزرگ امامان راستین روزی که یار هر دو جهان یاوری نداشت روزی که آن معین بشر بود بی معین مردانه ایستادی و کردی حمایتش تا جاودانه ماند چراغ هدایتش در مکه مکرّمه بودی مکرّمه دشمن شدند با تو دغل دوستان همه از هست خویش دست کشیدی و ذات حق بخشید گوهری به تو مانند فاطمه الحق تویی تویی تو که جان پیمبری شایسته‌ای که بهر نبی کوثر آوری آزرد ای فرشته‌ی حق اهرمن تو را زخم زبان زدند به هر انجمن تو را از بس که ریخت عطر قداست ز پیکرت پیراهن رسول خدا شد کفن تو را از بس بلند بود مقام و جلال تو گردید سال حزن نبی ارتحال تو روح تو در بهشت به پرواز می‌شود درهای غم به قلب نبی باز می‌شود در فصل خردسالی و آغاز زندگی بی مادری فاطمه آغاز می‌شود اشک نبی برای تو ای جان پاک ریخت با دست خویش بر تن پاک تو خاک ریخت با رفتن تو یار مُحمّد ز دست رفت خورشید روزگار مُحمّد ز دست رفت شد حمله‌ور به گلشن دین لشکر خزان تو رفتی و بهار مُحمّد ز دست رفت زیبد که با هزار زبان در ثنای تو «میثم» دُر قصیده بریزد به پای تو

هاله‌ی نور حضرت خدیجه سلام الله علیها

شاعر «حسان –» حبیب چاپچیان مُحمّد را نکو همسر خدیجه عزیز قلب پیغمبر خدیجه یقین باشد، پس از زهرا و زینب بود از هر زنی برتر، خدیجه پناه امتی بود و، نبی را به روز بی کسی، یاور، خدیجه گهی غمخوار او هنگام سختی گهی با خنده‌ی نوش آفرینش سُرور قلب آن سَرور، خدیجه میان دلبران، همتای او کیست؟ دل «لولاک» را دلبر، خدیجه زنی چون حوریان، مجذوب شوهر همه آسایش همسر، خدیجه وجود «رحمهٔ للعالمین» را پرستار و نوازشگر، خدیجه گرفته با ادب، چون هاله‌ی نور چراغ وحی را در بر، خدیجه به طوفان بلا، چون کوه، محکم به کشتی امان، لنگر خدیجه مبارز محرمی، همراز و نستوه شکوه غم، ز پا تا سر، خدیجه توان‌بخش صفوف مؤمنان بود چو می‌شد سنگباران خانه‌ی او به پیش مصطفی سنگر، خدیجه به شام تار خورشید نبوّت بود مهتاب روشنگر، خدیجه وفا و عشق و عفّت، زینت اوست ندارد غیر ازین زیور، خدیجه چه خوش «اللّه اکبر» گفت و بگذشت ز جان و مال و سیم و زر، خدیجه همین وارستگی، شایسته‌ی اوست چو زهرا را بود مادر، خدیجه کشد بار عطای آسمانی چو باشد مادر کوثر، خدیجه چه کوثر، آنکه یکتا همچو طاهاست صدف شد بر چنین گوهر، خدیجه ز نامش مادران برخود ببالند که دارد یک چنین دختر، خدیجه چه خوش باشد غلام خود بخواند «حسان» را در صف محشر، خدیجه

سلام ما به تو باد ای خدیجه کبری

شاعر: پیروی نخست همسر خوش‌طینت رسول خدا هزار رحمت حق بر روان پاک تو باد درود ما به تو باد، به جنت الماوی توئی که ثروت خود بی دریغ بخشیدی به همسری که مقامش به حق بود والا چو گشت معتکف کوه نور، همسر تو توئی که بوده‌ای چشم انتظار راه حرا توئی نخست مسلمان که گفته‌ای از صدق کلام طیبه را با نوای آمَنّا توئی که کرده‌ای تعظیم از سر اخلاص به پیشگاه خداوند ربی الاعلی چو دید ذات خداوند، حسن نیت تو بداد از کرم خویشتن تو را زهرا مقام فاطمه بالاترین مقامات است خوشا به حال تو و دختری که داده تو را ببال «پیروی» بر خویشتن که در مکه شدی تو زائر قبر خدیجه الکبری

فهرست منابع:

قرآن کریم نهج البلاغه الاصابهٔ فی تمییز الصحابهٔ تاریخ طبری اسلام و عقاید و آراء بشری یا «اسلام و جاهلیت» قصص العرب سیر اعلام النبلاء الاستیعاب طبقات کبری ابن سعد سیره نبوی ابن هشام اسد الغابه تاریخ الخمیس الصحیح من سیرهٔ النبی نهایهٔ الارب الکامل فی التاریخ بحارالانوار سیرهٔ حلبیه امالی صدوق المستدرک علی صحیحین نهج البلاغه، خطبه قاصعهٔ کشف الغمه، مناقب آل ابی طالب الفصول المهمهٔ سفینهٔ البحار

مقالات مورد استفاده:

خدیجه و کجاست مثل خدیجه؟ ... فرشته‌ای در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قلم سید محمد حسین یثربی همسر فداکار به قلم سمانه انیسی (نشریه گلبرگ شماره ۱۲۱). فضائل حضرت خدیجه سلام الله علیها به قلم علی امامی. خطبه‌ی عقد و مهریه‌ی امّ المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها به قلم سید هاشم رسولی محلاتی. سن پیامبر و حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ازدواج (منبع: درسهایی از تاریخ تحلیلی اسلام) ۰

کتابشناسی حضرت خدیجه سلام الله علیها

۱) حضرت خدیجه سلام الله علیها اسطوره ایثار و مقاومت، محمد محمدی اشتهاردی. ۲) حضرت خدیجه سلام الله علیها الگویی تکرار ناپذیر، محمد محمدی اشتهاردی. ۳) حضرت خدیجه سلام الله علیها یاور همیشگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مقاله، رسالت، (۲۱ مهر ۱۳۸۴): ص ۱۹. ۴) حضرت خدیجه سلام الله علیها اسطوره ایثار و مقاومت، محمد محمدی اشتهاردی ۵) حضرت خدیجه سلام الله علیها اسوه اخلاص مقاله، جمهوری اسلامی، (۲۵ آبان ۱۳۸۱): ص ۳. ۶) حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها همسر پیامبر، محمود داوری ۷) حضرت خدیجه سلام الله علیها ؛ حسین خادمیان نوش‌آبادی ۸) حضرت خدیجه سلام الله علیها ، نوشته علی محمدعلی دخیل؛ ترجمه فیروز حریرچی. ۹) خدیجه بنت خُوَیلِد، به قلم عبدالسلام العشری. ۱۰) خدیجه سلام الله علیها بانوی خوبی‌ها: مؤلفان: تقوا کنانی، معصومه گل گلی ۱۱) تو را می‌خواهم، داستان زندگی حضرت خدیجه، نویسنده: رضا شیرازی. ۱۲) مثلهن الاعلی السیده خدیجه نویسنده: عبدالله العلایلی. ۱۳) السیده خدیجه: امالمومنین و سباقه الخلق، تالیف عبدالحمید محمود طهماز. ۱۴) امالمومنین خدیجه بنت خُوَیلِد، نویسندگان: تالیف عبدالمنعم الهاشمی. ۱۵) فروغ آسمان حجاز خدیجه سلام الله علیها نویسنده: علی کرمی فریدونی. ۱۶) قصه حضرت بی بی خدیجه [نسخه خطی]، کاتب: فضل حق آخوند زاده ساکن بیر پاوی (بیر پاوه)، ۱۲۹۹ ق. ۱۷) وارثه خدیجه امسلمه امالمومنین: (حیاتها، مواقفها)، تالیف نزار محمد شوقی آل‌سنبل القطیفی ۱۸) فروغ آسمان حجاز خدیجه سلام الله علیها ، نویسنده: علی کرمی فریدونی. ۲۰) امالمومنین الکبری خدیجه بنت خُوَیلِد سلام الله علیها ، المولف هاشم الموسوی. ۲۱) امالمومنین خدیجه بنت خُوَیلِد، تالیف عبدالمنعم الهاشمی. ۲۲) امالمومنین خدیجه بنت خُوَیلِد سیده فی قلب المصطفی نویسنده: محمدعبده یمانی. ۲۳) الانوار فی مولد النبی محمد صلی‌الله علیه و اله و سلم [نسخه خطی]، ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری. ۲۴) به مناسبت سالروز وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها حامی بزرگ اسلام، نصیری، عبدالله. ۲۵) به مناسبت وفات حضرت خدیجه، آزاده صانعی. ۲۶) تو را می‌خواهم: داستان زندگی حضرت خدیجه، رضا شیرازی. ۲۷) جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه سلام الله علیها ، علی کرمی فریدنی. ۲۸) حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه سلام الله علیها ، مولف احمد صادقی اردستانی. ۲۹) خورشید همیشه درخشان اسلام - حضرت خدیجه کبری، عباس‌علی محمودی. ۳۰) رساله در احوال حضرت خدیجه و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم [نسخه خطی]. ۳۱) زندگانی حضرت فاطمه‌الزهرا سیده نساء العالمین و حضرت خدیجه‌کبری سلام‌الله علیهما، نویسنده حسین عمادزاده. ۳۲) زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با زندگانی حضرت خدیجه سلام الله علیها و زندگانی حضرت فاطمه سلام الله علیها ، اقتباس و نگارش بدرالدین نصیری. ۳۳) فضائل حضرت خدیجه، علی امامی. ۳۴) ماخذ شناسی توصیفی زندگی حضرت خدیجه، مینا درفشی، خدیجه مهدوی، اکرم کلاته. ۳۵) مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه علیهاالسلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، منصوره اعتمادی. ۳۶) مناقب و فضایل حضرت خدیجه سلام الله علیها ، اقبالیان، ابوالقاسم. ۳۷) نخستین ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، از هیئت تحریریه موسسه در راه حق. ۳۸) نقش طاهره قریش خدیجه در زندگی و پیروزی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، اکبر حمیدزاده. ۳۹) نگاهی به آموزه‌های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه علیهاالسلام، عبدالکریم پاک‌نیا. ۴۰) نگاهی به مقام حضرت خدیجه سلام الله علیها ، مولف حسین انصاریان. ۴۱) یادگاران روزهای سخت: یادنامه‌ای از زندگی راحلان رمضان حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه علیهم‌السلام، به کوشش محمد صادق دهنادی. ۴۲) بررسی زندگی و شخصیت حضرت خدیجه سلام الله علیها (امالکوثر)، نویسنده زهرا مخابری. ۴۳) القاب و فضایل حضرت خدیجه سلام الله علیها ، صاحبی مفرد، تقی. ۴۴) امین محمد، زندگی نامه حضرت خدیجه کبری سلام‌الله علیها، گردآوری و تالیف فریبا انیسی. ۴۵) اولین بانوی اسلام: به مناسبت سالروز رحلت حضرت خدیجه سلام الله علیها ، احمد محیطی اردکانی. ۴۶) بانوی حجاز: آشنایی با شخصیت حضرت خدیجه‌کبری سلام الله علیها ، جواد محدثی. ۴۷) اعلام النساء، نویسندگان: محمدعلی محمد دخیل.

سؤالات تستی مسابقه

۱. تولد حضرت خدیجه سلام الله علیها در چه سالی است و در کجا واقع شد؟ الف)حدوداً ۵۵ سال پیش از هجرت در مکه چشم به جهان گشود. ب)حدوداً ۵۸ سال پیش از هجرت در مدینه چشم به جهان گشود. ج)حدوداً ۶۰ سال پیش از هجرت در مکه چشم به جهان گشود. د) هیچکـدام. ۲. نویسـندگان در توصیف او عبارات «تُـدْعَی فِی الْجَاهِلِیـةِ الطَّاهِرَة» را به کار برده‌اند، به چه معناست؟ الف) در جاهلیت به طاهره نامیـده می‌شـد. ب) در جاهلیت به پاکـدامنی نامیـده می‌شد. ج) او را طاهره می‌نامیدند. د) الف و ب. ۳. حضـرت خدیجه سلام الله علیها از یاری فقرا روی برنمی‌گرداند و خانه‌اش پناهگاه نیازمندان بود. «کرم و سخاوت» ، «دور اندیشی و درایت» و «عفت» از وی بـانویی پارسـا و مورد احترام همگـان سـاخت. و به او لقب .... در آن زمـان به وی داده شـد. الف) سیـدهٔ نساء قریش. ب) طاهره. ج) ام الزهرا. د) همه موارد. ۴. مرحوم صدوق در کتاب من لا یحضـره الفقیه و شیـخ کلینی در کتاب شریف کـافی خطبه‌ی عقـدی را ایراد شـده توسط چه کسـی نقل کرده‌انـد؟ الف) ابوطالب. ب) عبـدالمطلب. ج) عَمْرو بن اَسَـد. د) هیچکدام. ۵. یکی از مهمترین وقـایع که عـاملی بزرگ برای جـاودانگی نـام حضـرت خـدیجه سـلام الله علیهـا است چیست؟ الف) ولادت ام الإئمه حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها. ب) ایمان او به خداوند. ج) وفاداری به رسول خدا. د) همه‌ی موارد. ۶. «خدیجه سـلام الله علیها سابقه نساء العالمین الی الایمان بالله و بمحمد (صلی الله علیه و آله و سلم)». به چه معناست؟ الف) خدیجه سـلام الله علیها در بین زنان اولین زنی بود که به خدا و حضـرت محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم ایمان آورد. ب) خدیجه سلام الله علیها در بین زنان بهترین زنی بود که به خدا و حضـرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد. ج) خدیجه سلام الله علیها در بین زنان برترین زنی بود که به خدا و حضـرت محمد صـلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد. د) خدیجه سلام الله علیها در بین زنان تنها زنی بود که به خـدا و حضـرت محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم ایمان آورد. ۷. این جمله از کیست؟ بگو خـدا به تو سلام می‌رسانـد و او را به خانه‌ای بهشتی که از نور زینت شـده، بشارت بـده! الف) میکائیل. ب) جبرئیل. ج) ملائکه. د) همه موارد. ۸. حمل فاطمه سـلام الله علیها و ولادت آن بانوی محترمه در چه سالی می‌باشـد؟ الف) سال پنجم بعثت. ب) سال پنجم هجرت. ج) ۲۰ جمادی الثانی. د) الف و ج. ۹. یکی از مبارزات حضـرت خدیجه سلام الله علیها در قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعـد از آن چه بود؟ الف) مبـارزه با تجارت رَبَوی، که گاه تا از دست دادن زن و فرزنـدِ بـدهکار می‌کشـید. ب) مبارزه با ربا خواری، که گاه تا از دست دادن زن و فرزندِ بدهکار می‌کشید. ج) مبارزه با افکار جاهلی و ایجاد تجارت مضاربه‌ای د) همه موارد. ۱۰. ام المؤمنین خـدیجه سـلام الله علیها در چه سـنی با پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم ازدواج نمودند و آیا قبلًا با دو کافر ازدواج کرده بودنـد؟ الف) در ۲۵ سـالگی ازدواج کردنـد و بیوه بودن ام المؤمنین خـدیجه سـلام الله علیها مردود است. ب) در ۴۰ سالگی ذکر شـده است و قبلا ازدواج کرده بودنـد. ج) در ۴۵ سالگی ذکر شـده است و قبلا ازدواج نکرده بودنـد. د) در ۲۵ سالگی ازدواج کردنـد و بیوه بودند. ۱۱. آیا حضـرت خدیجه سـلام الله علیها قبل از ازدواج با ر سول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم دارای فرزنـد بوده است؟ الف رقیه و زینب دختران «هاله» خواهر خـدیجه بوده‌اند نه خود خدیجه ... ب) هنگامی که رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم با خدیجه ازدواج کرد آن بانوی محترمه، باکره بود. ج) این مسئله از لحاظ تاریخی معتبر نمی‌باشد. د) همه موارد. ۱۲. طبق روایات یاری کنندگان حضرت خدیجه سلام الله علیها در موقع حمل حضرت زهرا سلام الله علیها چه کسانی بودند؟ الف) ساره (همسر حضرت ابراهیم علیه السلام) آسیه (همسر فرعون) از طرف خداوند. ب) مریم (مادر حضرت عیسی علیه السلام) و کُلثُم (خواهر حضرت موسی علیه السلام) از طرف خداوند. ج) زنان مکه. د) الف و ب. ۱۳. حمایتهای حضرت خدیجه سلام الله علیها در دوران زندگی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه حمایتهایی بوده است؟ الف) حمایت اجتماعی. ب) حمایتهای عملی. ج) حمایتهـای مالی. د) همه موارد. ۱۴. اسامی و القاب گرامی حضـرت خـدیجه سـلام الله علیها الف) صدّیقه، مبارکه، امّ المؤمنین. ب)

طاهره، بانوی بانوان، امّ الیتامی. ج) امّ الزهراء، ام الصعالیک، طاهره. د) همه موارد. ۱۵. وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها چه موقعی بود و آن سال به چه نام گزاری شد؟ الف) همزمان با رحلت اندوهبار حضرت ابوطالب رخ داد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن سال را «عام الحزن» ؛ سال غم و اندوه نام نهاد. ب) سه سال قبل از هجرت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن سال را «عام الحزن» ؛ سال غم و اندوه نام نهاد. ج) سه سال بعد از هجرت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن سال را «عام الحزن» ؛ سال غم و اندوه نام نهاد. د) الف و ب. ۱۶. وصایای حضرت خدیجه سلام الله علیها چه بود؟ الف) برای او دعای خیر کند. ب) پیش از دفن در قبر او وارد شود، او را به دست خود در خاک قرار دهد. ج) عبائی را که به هنگام نزول وحی بر دوش داشت، روی کفن او قرار دهد. د) همه موارد. ۱۷. «قبه الوحی» که بر خانه امالمؤمنین خدیجه سلام الله علیها و قبر وی ساختند، درچه سالی به وسیله‌ی فرقه ضالّه وهابیت ویران شد؟ الف) سال ۱۳۴۴ ه. ق. ب) سال ۱۳۴۴ ه. ش. ج) سال ۷۲۷ ه. ق. د) هیچکدام. ۱۸. از نمونه فضائل حضرت خدیجه‌ی کبری سلام الله علیها کدام است؟ الف) ایمان و اسلام و قبول ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام. ب) بصیرت ژرف و سخاوت و انفاق بی‌بدیل. ج) از برترین بانوان دو سرا و صبر و بردباری بی‌مانند. د) همه موارد. ۱۹. در آیه ۷۴ سوره فرقان: الَّذینَ یقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیاتِنا قُرَّةَ أَعْینٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إِماماً، منظور از «ازواجنا» کیست؟ الف) همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ب) حضرت خدیجه سلام الله علیها ج) پرهیزگاران د) نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۰. در آیه صلی الله علیه و آله و سلم سوره ضحی ((وَ وَجَدَک عائِلاً فَأَغْنی)) ،آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! منظور کیست؟ الف) خداوند متعال در این آیه به کنایه از خدیجه سلام الله علیها و احسان او یاد فرموده است. ب) تنگدستی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رفع آن ، به وسیله ثروت خدیجه سلام الله علیها ج) تنگدستی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم د) الف و ب

توجه

جهت دریافت فایل الکترونیکی این کتاب قابل اجرا در رایانه و تلفن همراه خود به سایت های اینترنتی این مرکز به آدرس های: www. khadijeh. com www. ghaemiyeh. com مراجعه فرمایید. شماره ارسال پیامک مرکز: ۱۰۰۰۱۰۰۱۰۰۱۰۰۰

در باره ما

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. هدف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت) از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه‌ای قابل اجرا در رایانه و تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www. ghaemiyeh. com و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی شبانه روزی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی خط ۲۳۵۰۵۲۴ - ۰۳۱۱ ز) طراحی سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک و SMS ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان، خیابان مسجد سید، مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

پاورقی

(۱) حلف الفضول به معنـای پیمـان جوانمردان، اشـاره به عهـد و پیمانی دارد که قبل از بعثت، حضـرت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم به همراه عده‌ای از جوانان مکه در خانه عبدالله بن جدعان اجتماع کردند و سوگند یاد کردند تا از ستمدیدگان و افراد غریبه‌ای را که وارد شهر می‌شوند و مورد ستم زورمندان واقع می‌شوند یاری کنند. (۲) جنگ فجار: اعراب دوران جاهلیت بیشتر ماه‌های سال را به جنگ و درگیری می‌گذراندند و تنها در چهار ماه (رجب، ذیقعده، ذیحجه، محرم) به پیروی از دسـتورات حضرت ابراهیم علیه السلام (بنا بر آیه ۳۶ سوره توبه) یـا برای تجارت و کسب و کار دست از جنگ و خونریزی می‌کشـیدند، این قانون و سـنت اعراب، در چهـار مورد نقض شـد و چون منجر به عصـیان عمومی و درگیری قبیله‌ای شـد از آن به نبردهـای فجـار (گنـاه) یاد می‌کننـد. (۳) تجارت مضاربه‌ای: مضاربه یعنی سـرمایه، سـرمایه بایـد وجه نقـد باشد و مضاربه با کالا باطل است، از شـرایط اساسـی عقد مضاربه، معلوم و معین بودن سـرمایه مضـاربه است ربـا: اشتراط چیزی غیر از اصـل سـرمایه و اصـل مالی که قرض داده شـده است. یعنی اگر قرض‌دهنـده چیزی را (هر چیزی که ارزش مالی داشـته باشد) علاوه بر برگرداندن اصل مالی که قرض داده، شـرط کند مرتکب ربا شـده است، خـواه آن چیز درآمـد قطعی باشـد یـا درآمـد غیر قطعی. (۴) آئین حنیـف ابراهیم: حنیـف کسـی است که به سـوی حق گرایش و تمایل دارد. مفهوم خداوند نزد ادیان ابراهیمی به عنوان مفهومی یگانه (واحد)، متشخص، و تنها قدرت مطلقه جهان‌هستی مطرح است. این که هر سه دین بزرگ ابراهیمی از ریشه تـاریخی مشـترک و واحـدی برخوردارنـد و آن سرچشـمه گرفتن از وجود حضـرت ابراهیم خلیل علیه السـلام پیامبر بزرگ و اولواالعزم الهی است. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «و قالوا کونوا هوداً او نصاری تهتـدوا، قـل بـل ملـۀ ابراهیم حنیفـاً و مـا کان من المشـرکین، قولوا آمنا بالله و ما اُنزل الینا و ما انزل الی ابراهیم و اسـحق و یعقوب و الاسـباط، و ما اوتی موسـی و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم لانفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون» و گفتند یهودی یا مسیحی باشـید تـا هـدایت شویـد، بگو چنین نیست، بلکه رسـتگاری در آئین حنیف ابراهیم است که از مشـرکان نبود. (۵) الطبقات الکبری ج ۱ ص ۱۳۳. (۶). بحارالانوار ج ۱۶ ص ۱۹. و تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۶. (۷) برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتاب الصحیح من السیره ج ۱ ص ۱۱۳ به بعـد نیز مراجعه کنید. (۸) فروع کافی ج ۲ ص ۱۹ و ۲۰ و من لا یحضـره الفقیه ج ۳ ص ۳۹۷. (۹) نحر کردن: شتر کشتن. قربانی کردن اشتر را گویند. (۱۰) خرائج راوندی ص ۱۸۷. (۱۱). لفظ «قل» در اینجا از قیلوله به معنای استراحت در چاشت گرفته شده، و برخی که شاید معنای آن را نفهمیده‌اند «لام» را تبدیل به «میم» کرده و «فقم» ضـبط کرده‌اند و خصوصـیت وقت چـاشت ظـاهرا بـدان جهت بـوده که در شـهر مکه غالبـا هوا گرم و عمومـا سـاعت چـاشت را تـا نزدیـک غروب در خانه‌هـا به استراحت می‌گذرانده‌انـد و آنگاه برای حوائـج خود از خانه خارج می‌شده‌انـد. (۱۲). بحارالـنوار، ج ۱۶ ص ۱۰ و ۱۲ و ۱۹. (۱۳) چاشت: به زمان بالا آمـدن روز (گذشـتن یک چهارم روز) تا نزدیک زوال گفته می‌شود. (۱۴) بحارالانوار - ج ۱۶ ص ۱۰ و ۱۲ و ۱۹ (۱۵) سیره حلبیه ج ۱ ص ۱۶۵. (۱۶). سیره حلبیه ج ۱ ص ۱۶۵ و سیره ابن هشام ج ۱ ص ۱۹۰ و سیره المصطفی ص ۶۰ و سیره النبی ج ۱ ص ۲۰۶. (۱۷) بحارالانوار ج ۱۶ ص ۱۹. (۱۸) منتقی النقـول ص ۱۳۹. (۱۹) اعلام الوری ص ۱۴۷. یعنی مهر حضرت خدیجه سلام الله علیها دوازده اوقیه و نیم بود چنانچه مهریه زنان دیگر آن حضرت نیز همین مقدار بود. (۲۰) بحارالانوار ج ۱۰۳ ص ۳۴۷ به بعد. (۲۱) معانی الاخبار ص ۲۱۴. فروع کافی ج ۲ ص ۲۰. (۲۲) من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۳۹۸. (۲۳) صداق: مهریه که به آن مهر و کابین و صـداق نیز می‌گوینـد، مالی است که مرد در هنگام عقد، موظف می‌شود به همسـرش پرداخت کند. (۲۴) زنان پیغمبر صـلی الله علیه و آله و سلم ص ۳۱۲ (۲۵) تاریخ یعقوبی ج ۲، ص ۳۲ (۲۶) نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۱۹ (۲۷) درخت طوبی: درخت طوبی و سـدرۀ المنتهی که خدای بخشاینده نهالش را نشاند، همان دوستی و ولایت امیرمؤمنان و خاندان او: است که مدار و قلب تمام خوبی‌ها و شایستگی‌ها است. (۲۸) بحار الانوار، ج ۴۳ صص ۲ تا ۶. (۲۹) چاه زمزم: مقدس ترین نوشیدنی در دین اسلام

، آب چاه معروف زمزم است ... چاه زمزم اکنون حدود ۳۰ متر عمق داشته و چشمه‌های آبده آن نیز در عمق ۱۷ متری قرار دارند (...۳۰) روم/۲۱. (۳۱) امالی صدوق، ص ۴۷۰ (۳۲) سوره محمد، آیه ۷ (۳۳) سیره نبوی، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۱؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۲۱. (۳۴) نهج البلاغه خطبه قاصعه - بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۱ و ج ۱۰۳، ص ۳۷۴. (۳۵) متعصّب: یکی از صفات رذیله انسانی تعصّب ناروا و «وابستگی غیرمنطقی به چیزی» است که انسان را از درک حق و برتری دادن آن بر باطل، باز می‌دارد. (۳۶) ۳۹. استیعاب، ج ۲، ص ۴۱۹، ش ۱۳. (۳۷) منیع: منیع محکم و استوار چرا که هر چیز استوار، غیر را از مداخله باز می‌دارد. (۳۸) تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۰۸ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۹۷. (۳۹) خصال صدوق، باب خصال اربعه. (۴۰) اسدالغابهٔ، ج ۵، ص ۴۳۷؛ استیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱. (۴۱) نهج البلاغه خطبه قاصعه — خصال صدوق، باب خصال اربعه. (۴۲) احزاب/۵. (۴۳) احزاب/۳۳. (۴۴) الوقایع و الحوادث، محمد باقر ملبوبی، ص ۱۳؛ بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹ و ج ۱۶، ص ۲۲. (۴۵) همان دو. (۴۶) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۵ - ۷۷. (۴۷) همان، ج ۱۹، ص ۶۳. (۴۸) خدیجه‌ی کبری، نمونه زن مجاهد مسلمان. (۴۹) طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۳۴. (۵۰) بحار الانوار، دار احیاء التراث، ج ۳۷، ص ۴۳. (۵۱) شعب ابیطالب: شعب از نظر لغوی به معنای شکاف میان کوه و جمع آن شعاب است. گاه شکاف میان دو کوه را نیز شعب میگویند. این شعب در آغاز، متعلق به «عبدالمطلب» بود. سپس آن را میان فرزندانش تقسیم کرد و سهم «عبدالله» را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داد. تولد خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم و نیز خانه حضرت خدیجه سلام الله علیها در همین دره بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تا هنگام هجرت در آن سکونت داشت. (۵۲) همان، ج ۴۳، ص ۳. (۵۳) محلّاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹. (۵۴) همان. (۵۵) خدیجه، اسطوره مقاومت و ایثار، صفحه ۱۸۶، اشتهاردی، محمد مهدی (۵۶) صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۶۴. (۵۷) الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۲۰. (۵۸) محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، کنستان ویرژیل گئورگیو، ترجمه ذبیح الله منصوری، ص ۵۰. (۵۹) بحار، ج ۴۴، ص ۳۱۸. (۶۰) همان، ج ۴۵، ص ۶. (۶۱) همان، ج ۴۴، ص ۱۷۴. (۶۲) همان، ج ۴۵، ص ۵۹. (۶۳) خدیجه، اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۰۰. (۶۴) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۳۲۵. (۶۵) خدیجه سلام الله علیها اسطوره مقاومت و ایثار، ص ۲۰۱. (۶۶) حیوهٔ القلوب، علامه محمد باقر مجلسی، ج ۳، ص ۲۱۸. (۶۷) بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲، ج ۱۶، ص ۲. (۶۸) خدیجه؛ اسطوره مقاومت و ایثار، ص ۱۸۷، نقل از بحار ج ۳۷، ص ۶۳. (۶۹) اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۸. (۷۰) ذخائر العقبی، ص ۴۴. (۷۱) کشف الغمه، ج ۲، ص ۷۱. (۷۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۰. (۷۳) بحار، ج ۴۰، ص ۶۸ به نقل از خدیجه؛ اسطوره مقاومت و ایثار ص ۱۹۰. (۷۴) همان، ج ۱۶، ص ۸. (۷۵) کشف الغمه، ج ۲، ص ۷۲. (۷۶) بحار، ج ۴۳، ص ۳۰۲، به نقل از خدیجه، اسطوره مقاومت و ایثار، ص ۱۹۸. (۷۷) بحار، ج ۲۲، ص ۵۰۲. (۷۸) همان، ج ۱۶، ص ۸. (۷۹) خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۰۷. (۸۰) ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۶. (۸۱) کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۳. (۸۲) کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ

وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه

کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹